فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، خارج کشور،

دور دوم نشراتی - سال دوم - شماره - سیزدهم چهارشنبه ۲۸ سرطان
۱۳۷٤ هـ ش .۲۱ صفرالمظفر ۱٤۱٦ هـ ق ۱۹. جولای ۱۹۹۵م

در جلسه شورای عالی دولت فیصله بعمل آمد

هر هفته یکتن از وزرای کابینه جهت گزارش کار خود در جلسه شرکت نماید.

گزارش رسیده از کابل مشعر است شورای عالی دولت بتاریخ ۲۵ سرطان سالجاری تحت ریاست استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور کشور مان در مقر ریاست جمهوری دایر گردید.

در جلسه شورای عالی اوضاع سیاسی نظامی کشور مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت.

شورای عالی فیصله نمود تا در هر هفته یکتن از وزرای کابینه جهت ارایه گزارش کار خود در جلسه شرکت نماید.

همچنان شورای عالی فیصله نمود تا به منظور هماهنگ و انسجام هر چه بیشتر فعالیت های باز سازی کمسیون خاصی تشکیل و آغاز به کار نماید.



طی دیدار های جداگانه

رئیس جمهور دولت اسلامی با هیئت شورای جهادی ننگرهار و اعضای سابق شورای اجرائیه حزب اسلامی ملاقات نمودند

گزارش رادیو افغانستان حاکیست به تاریخ ۲٤ سرطان سالجاری استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان با هیئت شورای ننگرهار تحت ریاست حاجی دین محمد معاون حزب اسلامی مولوی خالص دیدار نمود همچنان در دیدار رئیس جمهور کشور مان با محترم قاضی محمد امین وقاد، محترم قاضی نجی الله، محترم انجنیر عبدالله سیرت، ومحترم داکتر انور، اوضاع جاری کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

هیئت ملاقات کننده نان چاشت را با رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان صرف نمودند.

طرح دولت اسلامی افغانستان در رابطه با حل قضایای کشور

مورخ ۱۳۷٤ ,٤ ,۱۱

دولت اسلامی افغانستان به اساس سیاست اسلامی و صلح دوستانه خود برای حل معضله کشور همواره راه صلح و تفاهم را درپیش گرفته است. با اعتقاد به اینکه افتخارات کهن و تاریخی این سر زمین محصول فداکاری و قهرمانی همه افراد مسلمان و با شهامت این کشور است به راه حل مراجعه به آراء مردم تاکید نموده و یگانه راه حل مطمئن مشکل افغانستان را مشارکت تمام مردم افغانستان در تعیین سر نوشت شان میداند. و بخاطر حل دایمی قضایای جاری کشور با در نظر داشت واقعیت های عینی و تاریخی جامعه طرح اتی را ترتیب وارائه مینماید. این طرح در دو مرحله اجرا ،میگردد اصول کلی:

(۱) ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی بخاطر تسریع پروسه حل معضله، افغانستان مراکز فعالیت ومساعی خود را در شهر کابل مستقر سازند.

(۲) به منظور حل مؤفقانه معضلات جاری کشور هیچ گونه اجتماع رسمی در بیرون کشور در این رابطه دایر نگردد.

(۳) ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی همزمان با آغاز فعالیت ها ومساعی خود در جهت قطع مداخلات خارجی در امور داخلی افغانستان اقدامات جدی بعمل آورد.

(٤) ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی وسایر مراجع بیطرفی خود را در جریان حل قضایا حفظ کنند.

(٥) مراجعه به آراء مردم به حیث یك اصل پذیرفته شده در حل قضیه رعایت گردد.

(٦) ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی از پروسه، تامین صلح نظارت کنند.

(۷) کوشش هائی که در جهت استقرار صلح به عمل می آید باید در تحکیم صلح ممد واقع گردد و نباید ثبات موجود اوضاع را اخلال کند.

(۸) تضمین بین المللی برای حمایت از فصیله ها به عمل آید.

(۹) همزمان با حصول توافق بر این طرح و باز شدن راه ها، آتش بس در سراسر کشور رعایت گردد.

مرحله اول : تشکیل کمیسون بر گزاری لویه جرگه ملی اسلامی

(۱) ماده اول: کمیسون برگزاری لویه جرگه متشکل از نماینده گان ولایات پوهنتون ها ،ستره محکمه واکادمی علوم افغانستان میباشد.

(۲) ماده دوم: ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی در رابطه به ایجاد میکانیزم واحد بخاطر تشکیل کمیسون برگزاری لویه جرگه بین دولت و مخالفین مساعی لازم به خرج میدهد.

(۳) ماده سوم: وظایف کمیسون برگزاری لویه جرگه.

الف: ترتیب لایحه برای انتخاب نماینده گان ملت جهت عضویت در جرگه.

ب: اشراف بر تنفیذ لایحه ترتیب شده بخاطر انتخاب نماینده گان ملت.

ج: تدویر اولین اجلاس لویه جرگه.

مرحله دوم تشکیل لویه جرگه.

(۱) ماده اول: کمیسون تدویر لویه جرگه براساس لایحه ترتیب شده از تاریخ اولین اجلاس خود در مدت یك سال لویه جرگه را تشکیل مینماید.

(۲) ماده دوم: لویه جرگه به ترتیبی تشکیل میگردد که نماینده گی از نفوس و واحد های اداری کشور کرده بتواند.

(۳) ماده سوم: وظایف لویه جرگه:

الف: انتخاب زعیم ملی ب: تصویب قانون اساسی ج: انتخاب اعضای پارلمان از بین اعضای لویه جرگه به ترتیبی که نماینده گی از نفوس و واحد های اداري کشور کرده بتواند.

ب: در مدت یك سالی که اجرای این دو مرحله طرح صلح آنرا در بر میگیرد دولت آماده است با مخالفین به منظور اشتراك شان در شواری عالی دولت و حکومت به موافقه برسد.

جهان اسلام در آستانه قرن ۲۱

در جهان اسلام دست های دشمن اسلام درکار اند تا این طرز فکر را در میان مسلمانان عام سازد که غرب دین را به کنار نهاد و به پیشرفت نایل شد و مسلمانان نیز اگر میخواهند به پیشرفت مادی نایل گردند باید یکسره با معنویت وداع گویند. ص(٦)

الجنیر عبدالرحیم مستشار سیاسی سفارت دولت اسلامی افغانستان در اسلام آباد:

دولت اسلامی افغانستان هیچ نوع جنگ افزاراز هندوستان خریداری ننموده است

ص(۷)

ترکیب مخالفین و معضلهٔ کشور

حزب نمیتواند عرق ریزی خود را فدای نام و نشان حضرت صبغت الله مجددی بداند کسی که حیثیت برادر اندری را در ائتلاف دارد و موجودیت نظامی و سیاسی وی قابل رویت نیست و صرفاً حوادث و ایجابات زمان وی را در منصب ریاست ائتلاف قرار داده است ص(۳)

د هیواد په دننه کی د سولی هڅی د مسئلی د حل ریښتونی لار

دځینو لوریو له خواچی دمسئلی دحل څخه زیات دخپلو اهدافو تړی وُچی کومی هڅی کړی نتیجه یی منفی وه که څه هم چی دی ډلی' ته په تبلیغاتی سطحه زیات کار شوی او کوښښ شوی چی ذهناً افغانان داسی عیار کړی چی خپلی هیلی ورپوری وتړی خو عملاً بیا دی ډلی دخپلو هڅو څخه هیڅ مثبته نتیجه لاس ته نه دی راوړی ص(۲)

یادداشت مدیر مسئول

داسلامی دولت طرحه د اوسنی پیچلی حالت نه دوتو اغیزمنه لار

دافغانستان اسلامی دولت دخپلی سوله ییزی ستراتیژی پر بنسټ په وار وار پر خپلو مخالفینو دتفاهم غږ کړیدی او دسوله ییزو نوښتونو او وړاندیزونو له لاری غوښتنه کړیده ترڅو جګړی ته پای او سوله تأمین کړی چی دسولی تامیندو سره ثبات را مینځته او زمینه سیاسی پروسی او عملیی پلی کیدوته مساعده شی.

دهمدغه اصل په بنا دکابل له تصفیی دسولی دتأمین او ثبات را مینځته کیدو سره دافغانستان اسلامی دولت همیشه پردی ټکی ټینګار کړیدی چی دخلکوآراوته دمراجعی له لاری ستونزی په حل کی دولس ترڅنګ دهیواد برخلیك و ټاکل شی.

.دافغانستان اسلامی دولت لخوا اعلان شوی طرحی نه له ورایه ښکاری چی اسلامی دولت دیوه سوله ییز حل او دولس آراء او نظریاتو ته دمراجعی له لاری دستونزی دحل غوښتونکی دی، دولت دټولنی عینی او تاریخی واقعیتونو په رڼا کی پردی ټکی تاکید کوی ترڅو دهیواد دستونزی دحل لپاره باید دهیواد په دننه کی تصمیم ونیول شی نه په بهرکی.

دافغانستان اسلامی دولت طرحه چی په دوه برخو ویشل شویده یوه برخه یی کلی اصول او بله برخه یی دلویی جرگی تدویر او جوړیدل دی، د دولت مخالفین او په ځانګړی توګه هغه لوری چی دطرحی له کلی شکل او ترکیب سره ګډی وجهی لری باید په پوره قاطعیت دټولو هیواد والو تر څنګ ددغی طرحی په پلی کیدو کی خپل رول ولوبوی او لدی لاری دهیواد بحران ته پای ورکړی.

دافغانستان اسلامی دولت طرحه دټولنی دښکاره او عینی واقعیتونو او په جامعه کی برسیره شوو تحولاتو او بدلونونو په رڼا کی اغیزمن لارده ددایمی سولی دټینګیدو او دروان بحران دپای لپاره.



دمستیری نوی هڅی او دټولنی نوی واقعیتونه

ښاغلی مستیری دخپل ماموریت په پنځم پړاو کی باید داټکی او خصوصاً د تیرو تر شاپاتی پړاونو دناکامی علتونه او تجارب په پام کی ونیسی او دنویو حالاتو په رڼا کی دټولنی دنویو عینی واقعیتونو په هنداره کی خپلی هڅی او هلی ځلی جدی او چټکی کړی ص(٦)

اسلامی امت ته ورپیښی ستونزی او دواحد دریځ نشتوالی

ص(٥)

در زیر ذره بین

* جهان و مشکل لهادت های بیمارا
* سردار صاحب ومشکل غذاهای پاکستانی‌ا ص(٤)



شکست های پیهم ملل متحد در بوسنیا

آنچه که ما امروز در بوسنیا شاهد آن هستیم در حقیقت ادامهء جنگ های صلیبی علیه مسلمانان است و صلیبی ها پس از نابودی کشور اسلامی اندلس در اروپا هرگز حاضر نیستند کشور اسلامی دیگری را درین قاره تحمل کنند. ص(۳)

موضوع هفته

طرح دولت راه عملی برای پایان جنگ

سرنگونی رژیم نجیب و استقرار دولت اسلامی در افغانستان در بیش از سه سال قبل مداخله گران به بهره گیری از نیروهای اجیر خویش جنگ های خونینی را بر افغانستان بخصوص به پایتخت کشور ما شهر کابل تحمیل کردند. در حالیکه مخالفین هر چند ماه یکبار با ترفند و دسیسه تازه جبهه تازه ئی را در برابر دولت اسلامی باز می کردند ولی با وجود آن دولت اسلامی همیشه آمادگی خود را برای حل معضله و ختم جنگ از راه صلح و تفاهم و مذاکره ابراز نموده و هیئت های صلح چه داخلی و چه خارجی در تلاش خویش برای تامین صلح درکشور جنگ زده، ما از حمایت کامل دولت اسلامی برخوردار بوده اند.

جهت رسیدن به این هدف تاکنون گردهمائی هائی میان دولت و مخالفین چه در داخل کشور و چه در خارج از مرز ها صورت گرفته است اما متاسفانه مخالفین هرچند گاه یکبار با توسل به بهانه های جدید سلسله، جدیدی از جنگ و ویرانی را در کشور از سرگرفته اند نتیجه، این جنگ ها هر چند به پیروزی دولت بر مخالفین و راندن آنان از کابل انجامید اما باید به این واقعیت نیز اعتراف نمود که صدمه، معنوی که این جنگ ها بر آبرو و حیثیت جهاد ومجاهدین وارد آورد از صدمات مادی آنان بمراتب بیشتر است و اگر جنگ طلبان در برابر قربانی و جهاد این ملت و دست آورد های آن ذره ئی احساس مسئولیت میکردند هرگز بخود اجازه نمیدادند که چنین کنند و چنین ارزش های عظیم را در پای منافع شخصی خویش قربان نمایند.

با وجود همه، اینها دولت اسلامی بار دیگر به منظور ختم جنگ و باز کردن باب مذاکره با مخالفین طرح جدیدی را اعلام نموده است که مبتنی بر واقعیت های ملموس کشور در شرایط کنونی و در روشنائی تجارب حاصله از تلاش های صلح در گذشته تدوین گردیده واگر مخالفین واقعاً در صدد ختم جنگ در کشور اند باید به این دعوت لبیك گویند.

دولت اسلامی از پروسه صلح سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی حمایت می نماید اما با توجه به عدم موفقیت طرح مستیری در مرحله، قبل دولت به این نظر است که باید فعالیت های صلح این سازمانها در داخل افغانستان متمرکز باشد نه اینکه با یکجا نمودن شخصیت های غیر موثر در پروسه، صلح و در خارج از مرز های افغانستان وقت تلف گردد. چنین وقت گذرانی بی ثمر گذشته از اینکه نمیتواند در امر ایجاد صلح در کشور موثر باشد به حیثیت این سازمانها نیز در داخل و خارج صدمه می زند و مشمریت تلاش های آنرا زیر سوال می برد.

سازمان ملل متحد و کنفرانس اسلامی باید بنیاد تلاش های صلح طلبانه مخود را بر تاکید بر قطع مداخله، خارجی در افغانستان نهاده و اقدامات موثری را در جهت قطع این نوع مداخلات بعمل آورد زیرا ما به این عقیده هستیم که تا زمانیکه مداخله، خارجی در کشور به پایان نرسد هرنوع تلاش صلح از طرف گروه های جنگ طلب خنثی خواهد شد.

ما به این عقیده هستیم که سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی با حفظ بیطرفی خویش میتوانند موثر ترین مراجع در حل قضایای کشور باشند و از این راه میتوانند در پروسه، تامین صلح نظارت نمایند در صورتیکه این سازمانها به فعالیت هائی دست بزنند که از آن چنین برداشت شود که این سازمانها به نفع یك جناح خاص در افغانستان فعالیت نموده و یا در صدد تحمیل یك نظام خلاف خواست مردم مسلمان افغانستان است این کار بجای اینکه در جهت حل مشکل موثر ثابت گردد بر عکس جناح بندی ها را تشدید خواهد نمود و یکبار دیگر پروسه، صلح را مواجه به شکست خواهد ساخت.

برای حل این مشکل باید اراده، مردم کشور برای انتخاب نظام مورد خواست شان بعنوان یك اصل مسلم پذیرفته شود زیرا ملتی که در طول چهارده سال بخاطر نجات کشورش از چنگ کفر و کمونیزم بزرگترین قربانی ها را تحمل کرد حق دارد تا نظام مورد خواست خود را خودش انتخاب نماید و هیچ مرجع دیگر حق ندارد خواست خود را بر این ملت تحمیل نماید.

قدر مسلم اینست که برای جلب مشارکت مردم در امر حکومت باید به اراده، ملت احترام گذاشته شود و ما یك لویه جرگه، اسلامی را که منبعث از اراده، آزاد مردم باشد و یا هرنوع شورای دیگر که بتواند ممثل اراده و خواست ملت باشد بدیده، احترام نگریسته و ایجاد چنین مجمعی را بزرگترین اقدام در جهت حل معضله کشور می دانیم. مسئولین دولت اسلامی قبلاً ملاحظات خویش بر طرح مستیری را درین زمینه ابراز نموده اند. مشکل طرح مستیری این بود که میخواست نمایندگان در چنین جرگه نه نماینده ملت بلکه نماینده، گروههای مسلح حاکم بر هر ولایت باشد بدون اینکه به این اصل مهم توجه شده باشد که آیا مردم آن ولایت گروه مسلح حاکم بر خود را بعنوان نماینده، خود می پذیرند و یا نه. بنا بر این سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی باید در امر تعیین و انتخاب نمایندگان واقعی ملت نظارت نمایند.

نکته مهم دیگر در زمینه، تشکیل چنین شورا یا جرگه اینست که باید جلسات شورا در داخل کشور صورت گیرد زیرا افغانستان یك کشور آزاد و مستقل و دارای حاکمیت ملی بوده و یك کشور تحت اشغال بیگانه نیست که باید پارلمان در تبعید برایش تشکیل داد. تجربه نشان داده که چنان گردهمائی ها در کشور های خارجی از نفوذ بیگانگان بدور نمانده و در نتیجه تصامیم آن در نزد ملت ارج و اعتبار خود را از دست میدهد.

کمونیست ها وحمایت از ظاهرشاه

با سفر جنرال عبدالولی داماد و نماینده، خاص شاه سابق به پاکستان بحیث مهمان رسمی وعالی قدرا، همه دشمنان جهاد افغانستان در یك صف قرار گرفته ویکصدا ویك آواز از طرح بازگشت ظاهرشا، که مدتها قبل توسط روس و آمریکا ریخته شده بود حمایت واستقبال نمودند.

این در حالیست که همه توطئه ها ودسایس خونین وویرانگر دشمنان داخلی جهاد وافغانستان یکی پی دیگر به لطف و مرحمت الهی خنثی گردیده است.

جنگ ناروا وتباهکن یك گروه از مجاهدین علیه دولت اسلامی وبعد ائتلاف ننگین آن گروه با ملیشه ها وقیام مشترك مسلحانه جهت براندازی دولت اسلامی وبالاخره ایجاد فتنه، خونین طالبان، همه وهمه بیانگر مداخلات و تجاوزات آشکار خارجی بخاطر ادامه، جنگ وویرانی در کشور ما بوده است.

ودر نهایت روی دست گرفتن دوباره، طرح بازگشت ظاهرشاه، نشان دهنده، این واقعیت است که دشمنان جهاد و افغانستان از هر وسیله، ممکن در زمینه، مداومت و استمرار جنگ و خونریزی وویرانی وتباهی در کشور ما استفاده می نمایند.

جای تعجب نیست که در حمایت از طرح بازگشت ظاهرشاه، کمونیست های خلقی و پرچمی پیشاپیش دیگران قرار دارند وبا حرارت و قاطعیت خواهان بازگشت او می باشند.

از مطالعه، سطحی دوران زمامداری چهل ساله، ظاهرشاه، به ویژه دهه، اخیر آن بخوبی و روشنی واضح می گردد که کمونیست ها پرورده، دامان این رژیم و رهبران آن، تربیت یافتگان دربار بوده اند.

از تأسیس حزب کمونیست خلق ونشر جریده، خلق -که نورمحمد تره کی صاحب امتیاز وبارق شفیعی مدیر مسؤل آن بود- رابطه، نزدیك کمونیست ها با دربار بمشاهده میرسد. در نخستین شماره، جریده، خلق تحت عنوان «دین مقدس اسلام، شاهی مشروطه و قانون اساسی «میخوانیم:

درماده، هفتم ویازدهم قانون اساسی که جریده، خلق آنرا احترام می نماید، می گوید: «پادشاه غیر مسؤول و واجب الاحترام است...».

همچنان نورمحمد تره کی حین بازگشت ظاهرشاه از سفر شوروی، جهت استقبال او به میدان هوایی کابل میرود و دست های او را می بوسد! در آنزمان وبعدها، برخی از خلقی ها از واقعه، دست بوسی ظاهرشاه توسط تره کی انکار وبرخی دیگر که عکسهای آنرا خود دیده بودند، چنین توجیه می نمودند که چون ظاهرشاه از مکان مقدس وپایگاه کارگران جهان ؟! برگشته بود بنابرین سزوار دست بوسی بوده است!!

وببرك کارمل رهبر گروه دیگر کمونیستی، در حالیکه نماینده، فرمایشی پارلمان در یکی از جلسات شوری، ظاهرشاه را از مترقی ترین شاهان آسیا دانسته ودر مدح او قصیده سرایی می نماید وخواهان افزایش بودجه، دربار میگردد!!

واناهیتا راتبزاد نیز پرورش یافته، دربار وخاندان سلطنتی است و اما در مورد رابطه، نزدیك نجیب با دربار، افشاگری های دقیق برادرش صدیق الله بسیار جالب وخواندنی است. صدیق الله در تحت عنوان «نجیب را بشناسید» می نویسد که حتی چله، نامزدی نجیب و فتانه توسط شخص مارشال شاه ولی خان پدر سردارولی تبادله گردیده است!! و داستان التجا، والحاح وزاری نجیب سردسته، غلامان روس به ظاهرشاه درطی چهارسال اخیر زمامداری کمونیستها، به اندازه، روشن وواضح است که خود نجیب بارها در بیانات و مصاحبه های خود به آن اعتراف کرده است.

زمانی که روسها از ادامه، تجاوز و جنگ در افغانستان عاجز گردیدند ومجبور به فرار گردیدند و دانستند که غلامان آنها نیز کاری را از پیش برده نمی توانند ومحکوم به زوال و نابودی می باشند، پس در فکر بدیل افتاده ودر تبانی وهمآهنگی با امریکایی ها بفکر بازگشت شاه سابق افتادند و تماس های سری وعلنی را آغاز نمودند تا جائیکه وارنتسوف معاون وزارت خارجه وسفیر در کابل، به روم رفت و با شاه سابق ملاقات نمود و رونالد همر امریکایی نیز سفرهایی به کابل و روم داشت وحتی پس از کودتای تنی، نجیب طی یك صحبت بسیار مهم از لحاظ تاریخی گفت که او همه روزه به ظاهرشاه نامه ها می فرستد و از او تقاضا می نماید که برگردد!!

بنا برین حمایت کمونیستها از طرح بازگشت ظاهرشاه و استقبال از سفر سردارولی، هرگز قابل تعجب وحیران کننده نبوده، بلکه ادامه، روابط و پیوند های عمیق ودیرین دو طرف می باشد.

کمونیست ها فقط در سالهای اول رویکار آمدن رژیم کمونیستی با شور وحرارت علیه رژیم سلطنتی شعار میدادند و تبلیغات می نمودند ولی بعدها بویژه در نتیجه شکست در برابر مجاهدین، نظر به هدایت باداران خویش، از تبلیغات دست کشیده وبه بازگشت او ابراز تمایل نمودند.

اکنون که پایه های دولت اسلامی روز بروز مستحکمتر می گردد ووضع کشور بصورت عمومی بسوی ثبات، صلح وآرامش در حال انکشاف است و از همه مهمتر وضع در پایتخت کشور آرام و کاملاً در کنترول دولت اسلامی می باشد، پس همه دشمنان جهاد و افغانستان از مشاهده، این وضع به غیظ وغضب آمده و همه باهم به طرح بازگشت شاه سابق چسپیده و از آن دفاع می نمایند و کمونیست ها که با استقرار واستحکام دولت اسلامی، مرگ ونابودی ابدی بقایای فکر کمونیستی را می بینند پیشتر از دیگران ابراز تمایل وعلاقه نموده وامکان واحتمال بقای شانرا فقط وفقط در بازگشت پدر مهربان شان! می بینند. ولی دشمنان ما بخوبی میدانند که همچو طرح ها نه تنها باعث تأمین صلح وپایان جنگ در کشور ما نمی گردد بلکه به ادامه، جنگ وآتش افروزی تحت نام وعنوان و بهانه، دیگر کمك می کنند و مردم ما هرگز به دشمنان جهاد و کشور اجازه نمیدهند تا جنگ و آشوب را در میهن ما دامن بزنند و دولت اسلامی توانایی کامل مقابله با همچو توطئه ها ودسایس را دارا می باشد

دهیواد په دننه کی دسولی هڅی دمسلی دحل ریښتونی لار

څو ورځی وړاندی اسلامی دولت دمسئلی دحل په خاطر یوی طرحی کی اعلان کړه غوره ده چی تردی وروسته دسولی په خاطر هلی ځلی دهیواد په دننه کی وشی د دولت دا اعلان څرګنو خود غرضو داسی تعبیر کړ چی دولت سوله نه غواړی او هم غواړی په دی توګه ځان ټر خلکو او نړیوالو وپیژنی، که څه هم چی افغان ولس او دافغانانو خواخوږو دا نظر تائید او ګټور توب یی ورته په ډاګه شو خو بیاهم په دی خاطر چی دا مسئله ښه روښانه شوی وی ددی دریو کالو په دوران کی دسولی په نوم هڅی له نظره تیرو.

دنجیب دکمونیستی رژیم دنسکوریدو او په هیواد کی داسلامی دولت جوړیدو سره جوخت که دیوی خوا پردیو استعماری هیوادونو داسلامی دولت پر ضد ناروا جګړه پیل کړه او په ترڅ کی هیواد مرکز کندواله او زیات شمیر وطنوال له مینځه لاړل او یا هم هجرت ته مجبور شول دبلی خوا دهمدی جګړو سره په لړ. تفاوت دسولی هڅی هم پیل شوی او زیاتو خواو خپل مندی را مندی وکړی خو تر اوسه یی کومه مثبته نتیجه ورنکړه، دسولی دا هڅه کونکی دری ډوله وه یوه دهیواد په دننه کی مخلص جهادی لوری، بل دهیواد څخه بهر دجهاد خواخوږی او بل هم بهرنی هغه هڅی کونکی چی له خپلو هڅو یی خاص اهداف درلودلی او غوښتل یی هغه لاس ته راوړی که ددی ډلو دسولی هڅو ته لږ ځیر شو دهری یوی اهداف، ګټور توب او نتایج یی راته روښانه کیږی.

دهیواد په دننه کی مخلصو جهادی لوریو چی په دی دریو کالوکی دمسئلی دحل په خاطر کومی هڅی کړی سره ددی چی په تبلیغاتی سطحه ورته زیات کار نه دی شوی او غوغایی هم له امواجو نه ده اوریدل شوی خو نتایج یی ترهغو هڅو ډیر ښه او ګټور و، چی دهیواد څخه بهر پیل شوی وی، ددی وتوانیدل مشران سره کینوی، تر یوه حده یی فاصلی را لنډی کړی او یوی فیصلی ته یی سره ورسوی.

همدا‌شان دافغان جهاد دخواخوږوله خواهم چی دسولی لپاره کومی هلی ځلی دهیواد په دننه کی شوی یو څه ګټوری وی، توانیدلی اوربند وکړی او ښکیلی خواوی خبرو اتروته سره کینوی، او ددی دو ډلو پر عکس بیا دهیواد څخه بهر دځینو لوریو له خواچی دمسئلی دحل څخه زیات دخپلو اهدافو تری وچی کومی هڅی کړی نتیجه یی منفی وه که څه هم چی دی ډلی ته په تبلیغاتی سطحه زیات کار شوی او کوښښ شوی چی ذهناً افغانان داسی عیار کړی چی خپلی هیلی وریوری وترې خو عملاً بیا دی ډلی دخپلو هڅو څخه هیڅ مثبته نتیجه لاس ته نه دی راوړی او نه هم توانیدلی چی حتی ښکیلی خواوی خبرو اتروته سره کینوی او دهڅو دماتی عوامل یی هم روښانه دی یو خو دوی دافغانانو له مزاج سره بلد نه دی کوښښ یی کاوه داسی لوریوته راتلونکی کی ځای پیدا کړی او په دی توګه یی ژوند تضمین کړی چه هغه دافغان ولس قاتلین او ددی ټولو خونړیو جګړو مسئولین دی بل داچی دوی کوښښ کاوه د ښکیلو خواو مشران دهیواد څخه بهرخبرو اتروته کینوی چی دی کار یی هم دوه نواقصه درلوده یو داچی دی کار پخپله ښودله چی ددوی تر منځ فاصلی دومره زیاتی دی چی دهیواد په دننه کی یوبل سره ناستی ته زړه نه ښه کوی او یوه بل باندی اعتبار نلری او بل داچی دهیواد څخه بهر پریکړو کی حتمی دنورو نقش دخیل وی او دا په تاریخی لحاظ هم بنایی یو مشر هم ځانته غوره ونه بولی چی په دی توګه نوم یاد شی ځکه په تیر تاریخ کی هم کومی هڅی او پریکړی چی دهیواد په اړه نورو هیوادونوکی شوی هغه پردیو پریکړی بلل کیږی او افراد یی هم دپردیو ګوډاګیان، په همدی توګه نور زیات عوامل دی چی سړی ویلی شی دهیواد په دننه کی دسولی هڅی خاصتاً په داسی حال کی چی اسلامی دولت ټو لو لوریوته خپله دروازه پرانستلی او دهیواد په مرکز کی په یوه آزاده او مطمئنه فضا، کی خبرو ته چمتو دی ګټوری او نتیجه ورکوی ځکه له یوی خوا دهیواد زیاترو بر خو کی امنیت دی او په آزادانه توګه کیدای شی دمسئلی دحل په خاطر غونډی وشی او بل داچی دهیواد په دننه کی هڅی او یوه بل سیموته ورتګ سره به فاصلی لږی راتلڼی شی او داکار روحاً، فاصلو په راتلونکو باندی ښه اغیزه لری.

په هر صورت باید ټول هغه لوری چی غواړی دافغانستان مسئلی دحل په خاطر هلی ځلی وکړی خپلی هڅی دهیواد په دننه کی پرمخ بوځی او په دی توګه خپله خوا خوږی هم په ښه توګه سرته ورسوی او بل هڅی عملاً نتیجه ورکړی ځکه داسی نشی چی بهرکی فیصلی او پریکړی وشی او عملی کول یی بیا ناممکن وی، او دهیواد په دننه کی ورته ځای او شرایط مساعدنه وی،اسلامی دولت هم دهمدی تجربی له مخی دا غوره بللی چی دسولی هڅی دی دهیواد په دننه کی پرمخ بوتللی شی ترڅو دعملی کیدلو چانس یی زیات وی او افغان ولس له دی مشکلاتو نجات ومومی.

په هر صورت باید ټول هغه لوری چی غواړی دافغانستان مسئلی دحل په خاطر هلی ځلی وکړی خپلی هڅی باید دهیواد په دننه کی پرمخ بوځی

ترکیب مخالفین و معضله ء کشور

درکنار مداخله خارجی و عوامل دیگر یکی از موجبات عمده ایکه باعث تداوم بحران و استمرار مشکلات در کشور گردیده است ترکیب نا متجانس و سئوال بر انگیز مخالفین مسلح دولت اسلامی میباشد که در حال حاضر زیر عنوان ائتلاف هماهنگی دورهم گرد آمده اند.

هر چند تشکیل ائتلاف مخالفین در نخستین روز های بوجود آمدنش واکنش های در میان افراد و اعضای مرکب آن در پی داشت و باعث آن گردید تا تعداد کثیری از وفاداران و متعهدین سابقه دار گروه های شامل ائتلاف از آنها قطع علاقه و قطع رابطه نمایده در مخالفت علنی و سریع با رهبران و احزاب شان قرار گرفتند ولی مسئله به اینجا خاتمه نیافت و بزودی قوتهای خارجی حامی گروه های داخل ائتلاف نیز در حمایت از وابسته گان شان تجدید نظر نموده پشتیبانی شانرا درفضای آگنده از شك و نا امیدی به شکل بخور و نمیر ازاین گروه ها و رهبران آنها ادامه دادند.

از آنجائی که ائتلاف مخالفین برای شرایط خاص زمانی و بدست آوردن اهداف معین و زود گذر تشکیل گردیده بود عدم دسترسی به آن اهداف روز تا روز احساس دلسردی و روحیه بی اعتمادی که خاصه ذاتی وطبیعی بکجا شدن افکار متضاد و مخالف تحت فشار قوتهای خارجی میباشد را در میان آنها تقویه نمود.

خاصتاً پس از آنکه لانه های مخالفین در کابل و اطراف آن در هم ریخت موجودیت و ضرورت ائتلاف هماهنگی نیز زیر سوال رفت در حال حاضر منطقی بنظر نمی آید دوستم و ملیشه های وابسته آن موجودیت خود را در بعضی نقاط شمال کشور مرحون و مدیون ائتلاف هماهنگی بدانند و به همین ترتیب حزب نیز نمیتوانند عرق ریزی خود را فدای نام و نشان حضرت صبغت الله مجددی کسی که حیثیت برادر اندری را در ائتلاف دارد و موجودیت نظامی و سیاسی وی قابل رویت نیست و صرفاً حوادث و ایجابات زمان وی را در منصب ریاست ائتلاف قرار داده بداند. از جانب دیگر حزب وحدت یکی دیگر از عناصر ائتلاف که بیشترین ضربه را خورده و علاوه بر آنکه داغ یتیمی بر جبین دارد و اولین و آخرین سنگر های خود را در افغانستان از دست داده است دیگر نمیتواند از ائتلافی که تنها اسکلیت آن باقی مانده چیزی بدست آورد.

باناکامی پروسه یکجا سازی گروه طالبان و سلطنت طلبها با ائتلاف هماهنگی ضربه ء محکمی به تشکیل نیمه جان ائتلاف وارد آمده و قراین نشان میدهد که بزودی ائتلاف مخالفین از هم خواهد پاشید.

جلسات پشت دروازه های بسته قوماندانان و افراد حزب در سرحدات جنوبی کشور تحت هر نامی که انجام شده باشد و عدم حضور نمایندگان دوستم، مجددی، و گروه مزاری در آن خاصتاً مخالفت و عدم توافق تعدادی از شرکت کننده گان مبنی بر موجودیت حزب در شورای هماهنگی بی اعتمادی و شگاف میان گروه های ائتلاف را بیشتر از پیش عمیق ساخته و ازهم پاشی آنرا سریع خواهد ساخت.

بناءً با حاکمیت چنین فضائی در میان مخالفین و وسوسه خارجیان تشنج در کشور ادامه یافته و تلاشهائی که برای رسیدن به صلح و یافتن حل مشکل انجام گردیده به نتیجه نرسیده است.

وجود اختلاف در نظر ها و عملکرد های مخالفین مسلح خبث باطنی آنها را بر ملا ساخته و نشان میدهد که هیچگونه طرح و تعهد آنها جنبه عملی و تطبیق نداشته بلکه بخاطر مخالفت با دولت اسلامی و فریب افکار عامه عنوان میگردد.

طرحی که دولت اسلامی اعلام نموده است میتواند راه گشای خوبی برای حل قضایای کشور باشد. اکثر موادی که در طرح دولت گنجانیده شده است مشابهت زیاد با خواسته های مخالفین دارد امید است که آنها بجای بازی، با کلمات در روشنائی طرح دولت در صدد یافتن راه حل معضله کشور بر آیند.

دروانو ستونزو دحل په غرض دافغانستان اسلامی دولت طرحه

د خلکو پر ارادو ولاړه او د ولس د غوښتنو ویانده طرحه

موږ په وار وار دی ټکی ته اشاره کړی چی افغانستان روان بحران د هغو ناوړو استعماری حلقو دلاسوهنو نتیجه ده چی په افغانستان کی داسلامی نظام پر خلاف دی او دتاریخ په بیلا بیلو پړاوونوکی ددوی بدنیتونه او زموږ د مجاهد ملت په باب منفی قضاوتونه بویو- موږ ته را مخی ته شوی؛ خو لکه چی دروسانو استعماری برغلیز پروگرام او استراتیژیك تیزس زموږ دبرمیالو مجاهدینو دسترو حماسو په ښودلو سره له خاورو سره خاوری شوی، تر روس وروسته دنورو استعماری حلقو دسیسی هم دهمدغو قهرمانانو په لاس دانگی وانگی شوی دی- او نه یی دی پریښی چی ددی مجاهد ملت دارادو او ایډیالونو پر خلاف په افغانستان کی داستعمار لاس صادر شوی او جوړ شوی حکومتونه منځ ته راشی...

په دی ورځو کی چی زموږ ملت دخپل اسلامی دولت دسترو بریو شاهد دی او په سیاسی او نظامی دواړو ساحو کی دهغه برلاسی وینی، ددی پرځای چی استعماری تولگی زموږ دملت غوښتنی په نظر کی ونیسی- یوځل بیا په افغانستان کی دمختلفو مانوروونو په اجرا کولو سره په دی غرزو پرزو کی ښکاری چی دخپلو ټولو قوتونو(!) په یوځای کولو سره دمجاهدینو واکمن حکومت تر فشار لاندی راولی؛ مگر دافغانستان داسلامی دولت نوی طرحه چی په افغانستان کی دروانی کشالی دحل په اړه یی وړاندی کړی، ټول ټکی او مفردات یی پر هغو کوټلو ستنو ولاړدی چی زموږ دمجاهد ملت ارادی تمثیلوی او دهغوی دکلونو کلونو ارمان په ترسره کولو کی محوری- حیثیت لری؛ زموږ اسلامی دولت اوس ددی جوگه شوی چی دهیواد په دننه کی هر ډول غونډه راوبلی او دهغه دجوړیدو ټول امکانات تضمین کړی، بناءً که چیری زموږ قضیی ته علاقه لرونکی لوری غواړی چی له موږ سره زموږ د ربړځادهواری لپاره مرسته وکړی نو ښایی چی دبهرنیو هیوادو پرځای دخپلو فعالیتونو مرکز دافغانستان مرکز وټاکی، داله بوه پلوه زموږ دملت اطمینان تضمینوی او له بله پلوه نړیوالوته دا تاثر ورکوی چی مجاهدین په افغانستان کی دواکمنی خاوندان دی او که چیری ددی پر عکس عمل کیږی دا زموږ ملی تشکل زیانمن کوی او زموږ ملت هیچاته اجازه نه ورکوی چی دهغوی هغو واکمنو رجالوته چی دهغوی عالی ارمانونو ممثلین دی نادیده وگوری او داسی وښیی چی په افغانستان کی دمجاهدینو حکومت نشته.

همدارنگه دلویی اسلامی جرگی جوړیدل ټول هغه شکوك او شبهات رفع کوی چی زموږ دښمنان زموږ په واکمنی پسی دانحصار غوښتنی منفی تبلیغات کوی، په دی لویه اسلامی غونډه کی به دملت دټولو مجاهدینو اقشارو نمایندگان، مسلمان مفکرین او خبرونکی علما، پوهان او درایی خاوندان گډون کوی، دیو کال په موده کی ددی غونډی جوړیدل، هیوادته پارلمان جوړول- داساسی قانون پاس کول، دی طرحی ته بین المللی ضمانت تر لاسه کول- دملگرو ملتونو سازمان او اسلامی کانفرانس سازمان مرسته او څارنه، دطرحی په مقدماتو کی په ټول هیواد کی د اوربند نافذیدل او دلارو خلاصون، ملت ته قیادت ورکول او دعبوری دوری حکومت دا ټول هغه ټاکونکی ټکی او موضوعات دی چی زموږ دملت درایو او غوښتنو ترجمانی کوی...

دافغانستان اسلامی دولت له پیله منتها دځینو موقتی بدلونونو په نظر کی نیولوسره دهمدغی طرحی په خیر رغوونکی وړاندیزونه کړی چی دهغو په رڼا کی کیدلای شوای چی اوس دا دومره لانجی زموږ هیوادنه تهدیداوه؛ مگر دپردیو لاسوهنو په نتیجه کی زموږ هر جوړوونکی او رغنده وړاندیز سبوتاژ شوی او غیر اسلامی قوتونه ددی مانع گرځیدلی دی چی ددی وړاندیزونو په سپوری کی زموږ ملت سوکاله ژوند ولری، په افغانستان کی سوله او امنیت اعاده شی او دافغانستان دبیاجوړولو پروسه چټکه شی.

موږ په دی عقیده یو چی په کابل کی د دولت مخالفو قوتونو له تصفیی نه وروسته اوس دمجاهدو ځواکونو دوحدت او یووالی خورا ښه فرصت مساعد شویدی هغه لوری چی واقعاً له هیواد اسلام او اسلامی حکومت سره علاقه لری او پردی ویرژلی ملت یی زړه خوږیږی سره نژدی شی او ددی نژدیوالی او اخوت په فضا کی خپل عالی اهداف او ارمانونه وپالی...

خو اوس هغه ټول خنډونه لری شوی دی چی نه یی پریښودل دمجاهدینو وحدت له تامینیدلو سره جوخت په هیواد کی سوله او امنیت هم تامین شی...

بناد ټولو اسلامی ځواکونو، مسلمانو روښانفکرانو، پوهانو او ـمسلمانو متخصصینو او کار پوهانوته ښایی چی ددی فرصت نه په استفاده کولو سره داسلامی دولت دنوی طرحی په اساس سره لاسونه ورکړی او ټول په یو آواز له خپل دولت او اسلامی واکمنی سره لاس یو کړی او ددی طرحی په پلی کولوکی له هیڅ ډول ایثار څخه ډډه ونکړی؛ ځکه اوس دا بالکل واضحه شوی چی دهیواد بقا دخلکو په بقا کی ده او دافغانستان دخلکو بقا اسلام تضمینوی او اسلامی حکومت دوکیل په توگه کار پری کوی او که چیری خدای مکړه اړیکی سره وشلیږی داځل به افغانستان له یوبل بحران سره مخامخ شی.

ټول داسلامی اخوت او یووالی په لور دهغه سباوون په څرك پسی چی زموږ د ١٤ کلن جهاد نیکمرغی او ثمرات تضمینوی او زموږ ملت یووالی او وررور گلوی ته راکاږی.

شکست های پیهم سازمان ملل در بوسنیا

اشغال منطقه ء «سربرنیتسا» بوسیله ء نیروهای صرب بوسنیا و پیامدهای آن در چند روز گذشته انعکاس وسیعی در رسانه های خبری بین المللی داشت. حمله صربها به منطقه ئی که از طرف سازمان ملل متحد منطقه ء امن اعلام گردیده بود و ناتوانی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در جلوگیری از اشغال آن ضربه ء شدید دیگری است که به حیثیت این سازمان در جهان وارد مي آید.

> آنچه که ما امروز در بوسنیا شاهد آن هستیم در حقیقت ادامه ء جنگ های صلیبی علیه مسلمانان است و صلیبی ها پس از نابودی کشور اسلامی اندلس در اروپا هرگز حاضر نیستند کشور اسلامی دیگری را درین قاره تحمل کنند.
> صربها وارث شمشیر های جنگجویان صلیبی اند اما افسوس که در جهان اسلام دستی وجود ندارد تا شمشیر صلاح الدین ایوبی را از نیام بیرون کشد.

از همان نخستین روزهائی که سازمان ملل تصمیم به اعزام نیرو به بوسنیا گرفت در مورد وظائف و ساحه ء عملکرد این نیروهای نقاط مبهم فراوان وجود داشت و در طول دوران ماموریت خود این نیروها همیشه روحیه ء تسلیم طلبانه و انعطاف پذیر داشته اند و همین مسئله صربها را چنان جرئت و جسارت بخشیده است که هروقت بخواهند حتی میتوانند سربازان کلاه آبی سازمان ملل را گروگان بگیرند. این نیرو ها حتی حق دفاع از خود را ندارند چه رسد به دفاع از مسلمانان بیدفاع در بوسنیا فقط آنها کاروانهای امداد سازمان ملل را همراهی می کنند تا بر صفحه ء تلویزیون های جهان کلاههای آبی و زرهپوش های سفید آنان با علامت U.N ذهنیت خوش باوران را اغفال نماید که گویا این سازمان واقعاً در حل کشیده گی های بین المللی دارای نقش و اثر است.

صربهای بوسنیا در دست زدن به اعمال وحشیانه علیه مسلمانان این سرزمین از پشتیبانی کامل روسیه بر خوردار اند وروسها که با وجود شکست اتحاد شوروی هنوزهم در مبارزه علیه مسلمانان در آسیای میانه واروپای شرقی در سنگر مقدم جنگ قرار دارند نه تنها به صربها اسلحه میدهند بلکه با حمایت سیاسی و دپلوماتیك-خود از آنان در حقیقت آنها را در جنایات شان تشویق می نمایند در حالیکه تحریم ارسال اسلحه فقط درمورد دولت بوسنیا که عمدتاً از مسلمانان تشکیل شده است اعمال میگردد هر زمانیکه جنایات صربها اوج می گیرد و در کشور های اسلامی دولت ها تحت فشار ذهنیت مردم مسلمان این کشور ها قرار می گیرند که خواستار مداخله ء جدی و عملی دولت های شان بجای دادن اعلامیه های بی ثمر و بی تاثیر اند کشور های غربی به ترفند تازه ئی برای مقابله با این احساسات بر می خیزند تا مانع هر نوع اقدام عملی از طرف کشور های اسلامی گردند. وقتی در کشور های اسلامی موجی از نفرت و خشم علیه صربها و حامیان آنان و بی تفاوتی غرب در برابر این جنایات ایجاد شد سازمان ملل متحد اعلام نمود که اسلحه ء سنگین صربها در اطراف شهر سروایئو را از آنان خواهد گرفت و در محل امن انبار خواهد نمود تا از حملات آنها بر مناطق غیر نظامی جلوگیری نماید اما در عمل فقط چند ضرب توپ و چند عراده تانك کهنه و از کار افتاده را در محلی گرد آورد تا خبر نگاران از آن فلمبرداری نمایند اما بعد از چندی صربها همان اسلحه ء کهنه و از کار افتاده را نیز از نیرو های ملل متحد پس گرفتند.

بار دیگر که حملات صربها بر مناطق مسکونی موجب تلفات زیاد در میان غیر نظامینان گردید و احساسات مسلمانان علیه این وضع تحریك شد این بار پیمان اتلانتیك شمالی (ناتو) اعلام نمود که با حملات هوائی به سنگر ها و مواضع تهاجمی صربها از مسلمانان بوسنیا دفاع خواهد کرد و بشکل نمایشی نیز حملاتی به بعضی از سنگر های صربها انجام گرفت اما این حملات هوائی چنان ضعیف و بی اثر بود که فقط به بخشیدن جرئت به صربها منجر گردید بدون اینکه در دفاع از مردم بیدفاع و غیر نظامی مثمر ثمری واقع شده باشد.

اکنون بعضی از کشور های اروپائی و در رأس آن فرانسه اعلام نموده اند که میخواهند با اعزام نیروهای واکنش سریع از وسعت دامنه ء جنگ جلوگیری نمایند اما با توجه به نیات شوم حلقه های دشمن اسلام در غرب باید مطمئن بود که این چنین اعلامیه ها نیز فقط به منظور اغفال مسلمانان پخش میشود نه به منظور جلوگیری از قتل عالم مسلمانان بوسیله ء صربهای جنایتکار.

امریکا که در نقاط دیگر جهان از بابت نقض حقوق بشر سخت ابراز نگرانی می کند در مورد جهان اسلام و از جمله بوسنیا ترجیح میدهد تا سکوت اختیار نماید. صربها هزاران نفر از مردم را از کمپ های سازمان ملل متحد در سربرنیتسا بیرون راندند و هزاران نفر را هم در همان کمپ ها دستگیر نمودند و همین اکنون منطقه ء دیگر امن اعلام شده از طرف ملل متحد یعنی (ژیپا) نیز تحت محاصره و گلوله باری آنان قرار دارد اما قصر سفید هنوز هم معتقد است که قطع تحریم ارسال اسلحه به مسلمانان بوسنیا دامنه ء جنگ را در شبه جزیره ء بالقان وسیعتر می سازد.

آنچه که ما امروز در بوسنیا شاهد آن هستیم در حقیقت ادامه ء جنگ های صلیبی علیه مسلمانان است و صلیبی ها پس از نابودی کشور اسلامی اندلس در اروپا هرگز حاضر نیستند کشور اسلامی دیگری را درین قاره تحمل کنند.

صربها وارث شمشیر های جنگجویان صلیبی اند اما افسوس که در جهان اسلام دستی وجود ندارد تا شمشیر صلاح الدین ایوبی را از نیام بیرون کشد.

سپید هما

هنر و ادبیات

لنډه کیسه

شپونکی

داسی ښایسته منظره یی په ټول عمر کی نه وه لیدلی. تکه شنه ورشو، دسپینو اوبو روانه ویاله، رنګین ګلونه، ښکلی مرغان. خپلی میږی هم بدلی بدلی ورته ورته ښکاریدی، خپله ماشومه لور غوټی ورته ډیره ښایسته بریښیده، لکه دپرښتوتکی سپینی جامی په غاړه، په تورو څنو کی یی سره او ژیړ ګلونه ټومبلی وو. پر شونډه یی خوږه او مالګینه موسکا غزیدلی وه. له خپلو میږو او تکو سپینو وریو سره مشغولیده.

دمور زړه له ډیری خوشحالی نه په رزاشو او ناری یی کړی:

- غوټی لوری! وه غوټی لوری!

غوټی یو خوابل خوا حیران حیران وکتل. دمور په لیدو یی غږ کړ:

- وای موری ته دلته څه کوی؟!

دمور غیږی ته یی په منډه منډه ځان ورساوه. دمور له سترګونه در، در، دخوشحالی اوښکی را وبهیدی. غوټی یی ټینګه په غیږه کی ونیوه او دومره یی ښکل کړه چی مخ یی لکه دګلاب دتنکی غوټی تك سور واوښت.

- غوټی، زما خوږی غوټی، ته خو زمونږ نه ورکه وی. دمیږو رمه دی هم رانه ورکه کړی وه. پلار دی په تا پسی ډیر خپه دی. وروکی ورور دی ډیره ډیره یادوی، ستاتکی سپینی میږی هم یادوی. وایی چی غوټی خور می څه شوه؟ چیری لاړه؟ زما میږی یی څه کړی؟ زه سپوره ډوډی نه شم خوړای، زه شیدی او مستی غواړم، زه کوچ غواړم. کله یوه بانه کوی او کله بله بانه. ستا په لیدو به څومره خوشحاله شی! پلار به دی څومره خوشحاله شی! زرکوه غوټی څه چی ځو. راځه چی رمه هم بیایو، بس دی ډیری ډی وځرولی، مړی دی. ګوره! دومره مړی دی چی خپلی ګیدی هم نه شی وړای. غوټی له خندانه شنه شوه. په ناز او کرشمو یی خپلی توری څنی څند وهلی:

- مور جانی! زه نه ځم، خپله رمه می هم نه بیایم. زه په دی ګلونو کی ډیره خوشاله یم. ته ددی ویالی اوبه وڅښه له شربت نه هم خوږی دی. زه له دی خوږو اوبونه چیری ځم!

دمیږو ړمباری پورته شوی. وریو په ترپکو ترپکو یو خوا بل خوا توپونه ووهل. غوټی وویل:

- وګوره مور جانی! دلته زما میږی او وری ډیر خوشاله دی. دلته زما میږی ډیری شیدی کوی. زه نه ځم... نه ځم، نه ځم، نه ځم ....

مور یی خپه غوندی شوه. ویی ویل:

- غوټی لوری! ته له مور نه پرڅه ګیله منه یی؟ که ته له ماسره کورته لاړه نه شی زمونږ زاری به وچوی.

دمور له سترګو لکه چینه مړی مړی اوښکی روانی شوی. غوټی بیا له خندانه تکه شنه شوه. دمور پر مخ اوښکی یی په خپلو وړو او تنکیو ګوتو پاکی کړی.

- مور جانی! ته مه ژاړه له تاسونه ګیله منه نه یم. زه ډیره خوشاله یم.

خپله وړوکی خولګی یی دمور پر سترګو کیښودله او موریی ښکل کړه. په دی وخت کی دغوټی پلاره غږ وکړ:

- پاڅه لمونځ دی قضا شو...... داڅه دغم خوب دی چی نه ویښیږی!

دغوټی مور کریکی وکړی:

- غوټی! زما جنتی غوټی! زما شهیدی غوټی! زما وړی شپونکی........!

له کت نه پاڅیده. تکری یی پر سرکړ، لکه لیونی دبام پر سر وختله. صحراته یی وکتل. هغی صحراته چی غوټی به میږی په کی څرولی. په صحرا کی یی دسکد توغندی لویه کنده ولیدله. دکندی له غیږی نه دمیږو وری بادونو همغسی یوه خوا او بله خوا تښتولی.

گواهی غلام و تارك جماعت قابل قبول نیست

در روزگاری که امام یوسف (رح) قاضی هارون الرشید خلیفهء عباسی بود، مدعی ئی نزد وی به داد خواهی آمد امام برای اثبات ادعایش از مدعی خواست تا اگر شاهدی دارد به محکمه حاضر نماید مدعی یکی از وزرای هارون الرشید را بعنوان شاهد به محکمه آورد امام یوسف (رح) خطاب به وزیر گفت:

- آیا بیاد دارید که روزی در حضور من به خلیفه گفتید که من غلام تو ام»؟ گفت بلی! امام گفت:

- اگر شما در قول خود صادق باشید شهادت غلام پذیرفته نمی شود و اگر دروغ گفته باشید شهادت کاذب نیز قابل قبول نیست!

وزیر شکایت به هارون الرشید برد و خلیفه نزد ابو یوسف (رح) آمد تا شخصاً بعنوان شاهد قضیه ادای شهادت نماید ولی امام خطاب به خلیفه گفت:

- شهادت شما نیز در نزد من قابل قبول نیست زیرا شما تارك جماعت هستید! خلیفه در جواب گفت:

- چون من مصروف رسیدگی به امور مسلمین هستم بنا ء به نماز جماعت حاضر شده نمیتوانم امام در جواب گفت: پیامبر (ص) می فرماید:

«لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق»

هارون الرشید با شنیدن جواب امام یوسف(رح) اساس تعمیر یك باب مسجد را در جوار دارالخلافه نهاد.

مناظرهء دو قطره خون

پروین اعتصامی

شنیده اید میان دوقطره خون چه گذشت
گه مناظره، یك روز بر سرگذری
یکی بگفت به آن دیگری تو خون که ای
من اوفتاده ام اینجا، زدست تاجوری
به گفت، من بچکیدم زپای خار کنی
زرنج خار، که رفتش بپا چو نیشتری
جواب داد زیك چشمه ایم هردو، چه غم
چکیده ایم اگرهر یك از تن دگری
هزار قطرهء خون در پیاله یکرنگند
تفاوت رگ و شریان نمی کند اثری
زما دو قطرهء کوچك چه کار خواهد خاست
بیا شویم یکی قطرهء بزرگتری
براه سعی و عمل، باهم اتفاق کنیم
که ایمنند چنین رهروان زهر خطری
دراوفتیم ز رودی میان دریائی
گذر کنیم زسرچشمه ای بجوی و جری
بخنده گفت میان من و تو فرق بسی است
توئی زدست شهی من زپای کارگری
برای همرهی و اتحاد با چو منی
خوش است اشك یتیمی و خون زنجبری
تو از فراغ دل و عشرت آمدی بوجود
من از خمیدن پشتی و زحمت کمری
ترا به مطبخ شه پخته شد همیشه طعام
مرا به آتش آهی و آب چشم تری
تو از فروغ می ناب سرخ رنگ شدی
من از نکوهش خاری و سوزش جگری
مرا به ملك حقیقت هزار کس بخرد
چرا که در دل کان دلی شدم گهری
قضا و حادثه، نقش من از میان نبرد
کدام قطرهء خون را بود چنین هنری
درین علامت خونین، نهان دوصد دریاست
زساحل همه پیداست کشتی ظفری
زقید بندگی، این بستگان شوند آزاد
اگر بشوق رهائی، زنند بال و پری
یتیم و پیره زن، اینقدر خون دل نخورند
اگر بخانهء غارتگری فتد شرری
بحکم ناحق هر سفله، خلق را نکشند
اگر زقتل پدر پرسشی کند پسری
درخت جور و ستم هیچ برگ و بار نداشت
اگر که دست مجازات میزدش تبری
سپهر پیر، نمی دوخت جامهء بیداد
اگر نبود زصبرو سکوتش آستری
اگر که بد منشی را کشند بر سردار
بجای او ننشیند بزور ازویتری

در زیر ذره بین

جهان و مشکل رهبران بیمار!

در هفتهء قبل رسانه های گروهی خبر دادند که وضع مزاجی بوریس یلتسن ناگهان دگر گون گردیده بحدی که وی را فوراً به شفاخانه منتقل ساختند. دکتوران مریضی وی را حملهء قلبی تشخیص داده و به او توصیه نمودند که برای چند روز پروگرام کار خود را فسخ و استراحت کند و بخصوص از مصرف مشروبات الکلی (که یلسین به آن سخت معتاد است) خود داری ورزد در غیر آن جانش با خطر جدی مواجه خواهد شد.

از آنجا که مطابق به قانون اساسی روسیه وقتی رئیس جمهور بعلت بیماری نتواند به وظایف محوله ادامه بدهد باید صلاحیت های وی به صدر اعظم انتقال یابد، این خبر موجب مسرت ویکتور چرنومردین صدراعظم گردید اما یلسین بسرعت از روی تخت شفاخانه اعلامیه ئی صادر نمود و گفت که وضعش خوب است و دلیلی برای انتقال قدرت به صدر اعظم وجود ندارد!

رهبری های بیمار در روسیه همیشه فاجعه آفرین بوده اند هم برای خود روسها و هم برای صلح جهانی. میگویند که برژنف رهبر گم و گور شدهء اتحاد شوروی سابق سالها بیمار بود بحدی که توان گرفتن تصامیم عاقلانه را نداشت وحتی بعضی ها به این عقیده اند که اگر برژنف در آغاز بیماری اش که مغز او را علیل ساخته بود از کار کناره گیری میکرد روسها اشتباهات بزرگ از جمله حملهء نظامی به افغانستان را مرتکب نمی شدند و اتحاد شوروی نیز نابود نمی شد. اما مشکل رهبری های بیمار همچنان صلح را در جهان تهدید می کند رهبرانی که بیماری خود را باور ندارند...

کسانی هم هستند که بیماری خود را فقط زمانی باور می کنند که درد بیماری وعذاب جانکاه وجود خود آنان را مورد حمله قرار دهد چنانچه شنیدیم که چند روز قبل وزیر دفاع اسرائیل خود کشی کرد و در نامه ئی که بقلم خودش در کنار جسدش یافت شد نوشته بود که بیش از این تحمل درد بیماری سرطان را نداشت و به همین علت بدست خود به حیات خویش خاتمه داد. اما با کشته شدن یك بیمار مشکل جهان حل نمی شود ... مشکل رهبران بیمار برای جامعهء بشری همچنان به جای خود باقیست...

سردار صاحب ومشکل غذاهای پاکستانی

در اخبار آمده است که غذا هائی که میزبانان پاکستانی به سردار ولی میدهند قبل از اینکه خدمت سردار صاحب برده شود توسط دکتوران مورد آزمایش قرار می گیرد. این کار جزء از تدابیر امنیتی شدیدی است که بخاطر حفظ جان سردار در برابر تهدیدات مخالفین لازمی تشخیص داده شده است و حتی دریك مورد در زمانیکه دکتوران موظف حاضر نبودند و سردار تقاضای غذا نمود مهمانداران از مهمان خواستند که بصورت کتبی به آنان سند بدهند که اگر با صرف غذا مشکلی برایش بوجود آید و احیاناً بمیرد مسئول خود وی خواهد بود نه مهمانداران!

اینکه وقتی سردار صاحب در پاکستان اینقدر احساس خطر می کند چگونه به افغانستان خواهد رفت و در آنجا با غذا های تست نشده، چه خواهد کرد سوال دیگریست اما تا آنجا که قضیه به موقف مخالفین رابطه می گیرد باید گفت که شاه ستیزان پر حرارت دیروز که اشخاص زیادی را فقط به جرم حمایت ازظاهرشاه سر به نیست کردند دیگر نه تنها داغ و پر حرارت نیستند که حتی دودی هم از کندهء شان بلند نمی شود. سایر مخالفین هم آنقدر ساده اندیش نیستند که با ریختن زهر به غذای سردار صاحب و کشتن وی به طرفدارانش فرصت (شهید نمائی) بدهند و از آن بیچاره یك قهرمان بسازند!!

اما تا آنجا که مسئله به مواد تقلبی در غذا های پاکستانی یا بقول خود آنان (ملاوت) مربوط است باید گفت که اگر این نوع مواد همان بلائی را برسر معدهء ضعیف و علیل سردار صاحب بیاورد که بر سر معدهء دوست و همکار جوان ما آورد در آنصورت تقصیر از مخالفین ظاهرشاه نیست و چارهء کار نیز درین است که سردار صاحب بیش از این معدهء بی درد را بدرد نیاورده و به محل صدور شان باز گردند!

اسلامی امت ته وړپیښی ستونزی او دواحد دریځ نشتوالی

دتیر وختونو خبره ده دهغه وختونو چه تیر شول خو حوادث ئی په تاریخ کی داسلام، حت دعظمتونو دیادگار په ډول خوندی دی دهند دسمندر د آرامو څپو په منځ کی یوه بیړی د خلیج په لوری خپل مزله ته دوام ورکوی، ناڅاپه دکښتی سپاره په کړیکوشی - دبیړی آرامه وضعه گډه وډه شی او له هرکومی همدا کړیکه راوزی چی: سمندری غله دی! څه به کوو او له کوم برخلیك سره به مخ کیږو؟

دسترگو په رپکی دسمندری غلو گرځندی بیړی را رسیږی او بیا دغه بیړی او پگی ټول انسانان او مالی شتمنی ددوی غنیمت شی.

غله خپل مالونه او اسیران دسیند پر ساحل د «راجه داهر» په بت پرستانو خرڅوی او په دی ډول یوه مسلمانه کورنی هم د راجه داهر زندان ته لویږی ددغی کورنی پیغله «ناهید» ده چی دیوه زندانی په لاس دمسلمانانو مرکز «بغداد» ته خپل فریاد رسوی چی:

ستاسو یوه خور دهندی بت پالو په زندان کی ده چی هره شیبه ئی په عفت او آبرو دتجاوز امکان دی، دغه خور له خپلو غیرتی وروڼو نه غواړی چی ورشی او عزت ئی خوندی کړی.دپیغلی ناهیدی فریاد دبغداد او کوفی په کوڅو کی آزانگی وکړی خو له په خوله شی- په رگونوکی وینی په ځوښ راولی او بالاخره دتاریخ دیوه ستر داستان سرلیك شی چی موږ ئی دمحمد بن قاسم په مشری داسلام دلښکر دفتحو په نوم بولو.

او ولس کلن زلمی «محمد بن قاسم» له خپل لښکر سره یوځای دناهیدی دنجات په خاطر دسند پر ساحل پلی شی او بالاخره نه یوازی داسلام دلور عفت پرځای شی بلکی په پراخ هند داسلام بیرغ په رپاشی او دادی سلگونه کلونه وروسته هم دلته محمدی آذان اوچت دی.

کلونه یو پربل پسی واوښتل او له بده مرغه داسلامی امت دبرم او پرتم وختونه تیر شول. دزرگونو غازیانو دوینو په بیه آزاد شوی ریاستونه د یهودو - هندوانو- او صلیبیانو دسازشونو په نتیجه کی بیرته دکفر او جبر په منگولو کی ښکیل شول- اندلس چی پوره اته سوه کلونه داسلامی عظمت زانگو وه دصلیب دپیروانو تر ناپاکو قدمونو لاندی شو.

عثمانی خلافت ډړی وړی شو او ترټولو بده داچی اسلامی امت دبی حسی او غفلت په داسی ترورمیوکی ښکیل شو چی هر سهار ئی دتیری شپی له ارځښتونو او شتمنیو نه یو څه له لاسه ورکړی وی.

داسلامی امت پر ټټر دلبنان - فلسطین- افغانستان- چیچین او بوسنیا په نامه زخمونه وغوړیدل چی دوخت په تیریدو لاژور دردناك او ناسور شول.

داسلامی نړی دچارو واکو لاسونه تړل شوی، او ټول پرخپل برخلیك له تودو اوښکو تویدلو پرته هیڅ نه شی کولی.

هغه جذبی چی توپانونه یی ایلولی شوی، هغه تدبیرونه چی غرونه رغونه یی لړزولی شوای، او هغه ارادی او تصمیمونه چی دیوی پیغلی فریاد یی دپیلانو لښکری تار او مار کړی اوس نشته ځکه خوبه دمظلوم افغان په کور جگړی مسلطی وی- دشامل بچیان به دخپل نیکه دین - تشخص او دژوند دود نشی انتخابولی - په بوسنیا کی به زرگونه پیغلی داسلام په جرم دصربی وحشیانو په لاس بی عفته کیږی.

لومړی ستر لامل دادی چی اسلامی نړی دبی حسی او غفلت په تروږمیوکی ډوبه ده - نه یوازی واحد قیادت نه لری بلکی یو داسی مرکزیت نه لری چی داسلامی نړی او مسلمانانوله حقوقو څخه دفاع وکړی - او تر ډیره حده دمسایلو په رابطه تشریفاتی دریځ نلری.

که داسلامی امت له نورو دردونو تیر شو یوازی دبوسنیا دمظلومو مسلمانانو وضعیت وگورو نو ډیر ترخه واقعیتونه به پکی احساس کړو دبوسنیا هرزه گووینیا مسلمان دولت دپخوانی یوگوسلاویا له تجزیی نه وروسته جوړ شو چی دجوریدو له پیل نه یی تر ننه پوری داروپا په وچه کی دغه کوچنی نو بنیاده اسلامی ریاست د وحشی صربیانو تر تیری لاندی دی.

د ۱۹۹۲ عیسوی کال تر پایه پوری په بوسنیا کی دصربیانو پر نورو وحشتونو او وژنو سربیره دیوی دقیقی احصائی له مخی (۶۰) زره بوسنیا یی نجونی چی زیاتره ئی پیغلی وی دصربیانو د وحشی لښکرو لخوا بی عفته شوی دی، همدارنگه د بوسنیا هرزه گووینیا دخاوری تر نیمائی زیاته برخه صربانو ترواك لاندی راغلی او مسلمانان یی له خپلو ځمکو څخه ایستلی - په بوسنیا کی دصربانو مظالم او تجاوزونه داسی حد ته رسیدلی چی دنړی هیڅ یو سازمان، هیواد او ارگان سترگی تری نشی پټولی.په بوسنیا او یا په مجموع کی په اسلامی نړی کی ددغسی تراژیدیو ددوام دوه ستر لاملونه دی چی دوی پخپله اسلامی نړی او مسلمانانو پوری اړه لری او بل ئی ددوی په دښمنانو.

لومړی ستر لامل دادی چی اسلامی نړی دبی حسی او غفلت په تروږمیوکی ډوبه ده - نه یوازی واحد قیادت نه لری بلکی یو داسی مرکزیت نه لری چی داسلامی نړی او مسلمانانوله حقوقو څخه دفاع وکړی - او تر ډیره حده دمسایلو په رابطه تشریفاتی دریځ نلری.

داسلامی نړی قیادت هم تر ډیره حده داسلامی او مسلمانانو له دردونو او مصایبو نه بی پروا دی.

دوهم لامل داسلام دښمنان دی چی داسلامی امت پرخلاف یوه شیبه هم له دسیسو نه وزگار نه دی - هغوی په ډیر مهارت دمسلمانانو دځپلو او توهین په خاطر نوبی نوبی توطیی په لار اچوی او غواړی چی تل مسلمانان دانسانی پرگنو دتراژیدیو دداستان سرلیك وی.

په دغه حساسو شیبوکی اسلامی امت داسی حذبو احساس - ایمان او ارادی ته سترگی په لار دی چی دبوسنیا یی ... او نورو مظلومو خوېنده او ورونو فریاد ئی ضمیر لړزوی رااوچت شی او د ابن قاسم - او طارق انباز یاد په ځیر دمظلومو مسلمانانو دنجات لپاره دجهاد او شهادت علم اوچت کړی.

هغه جذبی چی توپانونه یی ایلولی شوی، هغه تدبیرونه چی غرونه رغونه یی لړزولی شوای، او هغه ارادی او تصمیمونه چی دیوی پیغلی فریاد یی دپیلانو لښکری تار او مار کړی اوس نشته ځکه خوبه دمظلوم افغان په کور جگړی مسلطی وی- دشامل بچیان به دخپل نیکه دین - تشخص او دژوند دود نشی انتخابولی - په بوسنیا کی به زرگونه پیغلی داسلام په جرم دصربی وحشیانو په لاس بی عفته کیږی.

دافغانستان اسلامی دولت مسئولیت لری چی

دافغانستان پر خلاف دهری توطیی مخه ونیسی

په افغانستان کی، دافغانستان دباتور، مجاهد ملت له معتقداتو او انگیزنو سره سم دافغانستان اوسنی حکومت چی د خارجی عواملو له دری کلن جنگ نه وروسته اوس په خپلو پښو دریدلی - دنورو هغو ډلو پرخلاف چی په افغانستان کی خپلی خوبنی نظام په منځ ته راتگ سره خپل بقا او موجودیت وینی- دافغانستان خلکو او ټولنی ته په بنسټیزډول مشروعیت لری.

دا دولت دنورو فرعی ملاحظاتو په نه شمیرلو سره دافغان مجاهدینو هغه ارمان دی چی له روسانو او دهغوی له مزدورانو سره له څوارلس کلن خونړی جنگ نه وروسته کله چی کمونیستی نظام په افغانستان کی ړنگ شو- منځ ته راغلی او هر هغه حرکت چی ددی مشروع دولت پرضد صورت نیسی - دا دولت حق لری چی په کلکه یی وغندی، اعتراض پری وکړی او په مقابل کی یی ودریږی-

«دمخلوع ظاهرشاه ځانگړی استازی سردارولی دچنگابش په ۱۶ مه نیټه پیښورکی خبریالانوته ویلی دی چی «استادربانی» زما پر سفر د اعتراض حق نلری هغه خبریالانوته دا هم ویلی دی چی دی په پیښورکی له هستوگنی وروسته افغانستان ته دسفر په باب فکر کوی.»

که چیری جنرال سردار ولی ددی لپاره پاکستان ته راغلای وای چی له خپلو خپلوانو ! سره گوری، خپل قومی قرابتونه پالی او په خپلو دوستانو پسی خفه شوی او دابه موقع ده چی دپاکستان حکومت له ۱۷ کالونو وروسته ورته دسفر ویزه ورکوی موږ هم ویل چی «استاد ربانی» یا په افغانستان کی دمجاهدینو اعلی قیادت یا ادنی قیادت داحق نه لری چی دهغه پر سفر اعتراض وکړی؛ مگر اوس خو نوموړی جنرال دیوی نړیوالی توطیی په لړ کی ددی لپاره پاکستان ته راغلی چی په افغانستان کی دمجاهدینو دتسلط دولت مشروعیت چلنج کړی، دهغه پر ضد پراخه جبهه جوړه کړی او دهغه دپرزولولپاره له هغو مخالفینو سره لیدنی کتنی وکړی چی له دری کلونو راهیسی داستعمار په اشاره داسلامی دولت پرضد جنگیږی...

په دی اړه زموږ توقع له خپل گاوندی مسلمان وروږ هیواد پاکستان څخه دانه و چی زموږ په ستونځوکی دکمی پر ځای دسردارولی په راوستلو سره موږ ته نوری ستونځی را پیدا کړی؛ بیا په داسی حال کی چی دا هیواد و چی اوس هم د دری ملیونو مهاجرینو میزبان دی او دڅوارلس کلن جهاد په دوران کی زموږ دملت له مزاج سره ښه آشنا شوی، زموږ دجهاد او دهغه دغوښتنو په طبیعت باندی ښه پوهیږی، له موږ سره یی په ډیرو سختو کی دومره مرستی کړی چی موږ پښت ، پښت به دهغه داحسانونو ممنون وی او هیڅکله به یی نه هیروو. پاکستان کولای شوای چی په خپله دیو منځگړی په توگه زموږ په ستونځو کی کمی راوستی وای هغه قوتونه یی چی نه یواځی دافغانستان دبقا لپاره ۱۴ کاله له روسانو او دهغوی دځمځیوسره جنگیدل؛ بلکی له روسانو سره په مقابله کی دا ۱۴ کاله دپاکستان له سرحداتو نه هم دفاع کوله (چی په دی خبری باندی دپاکستان ټولی منوری طبقی له موږ سره متفق دی او په وار واری په خپلو لیکنو او څرگندونوکی بی دا ویلی چی افغان مجاهدین دپاکستان له سرحداتو نه هم دفاع کوی او هغوی زموږ پر ځای هم له روسانو سره جنگیږی) سره نږدی کړی، دهغوی تر منځ دورورگلوی له حقوقو سره سم روغه جوړه وکړی. نه داچی هغه چاته چی زموږ په قضیه کی دلاسوهنی لپاره دلته راغلی ویزه ورکړی او دخپل رسمی میلمه په توگه یی ومنی - هغه چاته دمجاهدینو په نسبت امتیاز ورکړی چی دهغه نظام نه بیلیدونکی جز دی چی پوره څلویښت کاله یی دپاکستان او افغانستان مسلمانو هیوادونو تر منځ د ورورگلوی مناسبات په تعویق واچولی او دافضا خړه کړی او په مقابل کی له هغو سرو روسانو سره دوستی وکړی چی زموږ ملت یی اوس دغه حالت ته رسولی او برسیره پردی دافغانستان له اشغال نه پس پر پاکستان باندی حمله وکړی او دی سل میلیونی مسلمان ملت ته زموږ دهیواد او اوسیدونکو په شان دومره لویه تراژیدی را ولاړ کړی چی ایعادیی کلونو کلونو بلکی پیړیوته رسیږی په هر حال زموږ اسلامی دولت چی دملت پر جهادی ارادی ولاړ مشروعیت لری دا حق لری چی دافغانستان په چاروکی هر ډول تخریبی مداخله و غندی او مقابله یی وکړی...

خصوصاً دمخلوع شاه دخاص استازی چی په هیواد کی ددی ټولو بدمرغیو مور گڼل کیږی- سره له دی چی همدغه کورنی دکمونستانو دپاللو- روسی کودتاگانوته دلاری هوارولواو په افغانستان کی په هغو ټولو جنایاتوکی شریك دی چی روسان او کمونستان یی مرتکب شوی دی- په هغه وخت کی چی زموږ ملت دکمونیزم په اورکی سئی کیدل- د ۱۴ کلن جنگ په دوران کی هم - دافغان مومن ملت په غم کی شریك شو- او په هغه وخت کی پاکستان ته رانه غی چی له مهاجرینو او مجاهدینو سره یی دروسانو په ترتلو او ټکولوکی او همدارنگه دخپل هیواد په آزادی کی برخه اخستی وای- اوس چی روسان په افغانستان کی څه چی په نړی کی له ماتی سره مخامخ شوی او دمجاهدینو حکومت داتوان مومدلی چی داستعمارنور اجنتان وټرټی او په خپلو پښو ودریږی- دا (آشنا څیره) پاکستان ته راغلی او افغانستان ته دنوی نظام (!) دراوستلو دعوی کوی او په ډیره بی شرمی سره داهم وایی چی استاد ربانی حق نلری چی زما په سفر باندی اعتراض وکړی!!

اسلامی دولت به پرتا اعتراض هم کوی او که چیری ددی جوگه شوی چی دروم طرحی!!پلی کولوته ملاوتړی غابښ ماتونکی ځواب به هم درکوی...

ځکه:

دا هیواد نور دشاهانو هیوادنه بلکی دمجاهدینو هیواد دی

او مجاهدین به پری حکومت کوی نه هغه کسان چی افغانستان کله پر [illegible] پلوری، کله پر...

جهان اسلام در آستانهٔ قرن ۲۱

جهان در آستانه، قرن ۲۱ میلادی قرار دارد و قرن جدید بشر را به رویا روئی با خویش فرا می خواند. بدون شك اقوام و ملت هائی توان رویارویی با خواست ها و مقتضیات قرن ۲۱ را دارند که خواست های زمان در قرن بیست را با موفقیت جواب گفتند و در لگام زدن به نیروهای بی مهار طبیعت استعداد خود بعنوان برترین موجود روی زمین ایمانات رسانیدند.

قرن بیستم که اینك واپسین سالهای آنرا پشت سر می گذاریم، قرن پیشرفت های محیر العقول در بخش های ساینس و تکنالوژی بود سرعت سیر این پیشرفت بحدی بود که هر چند گاه یکبار نامی بر این قرن نهادند ولی با وجود آمدن تحول تازه و پیشرفت جدید، نام جدید جای نام قدیم را گرفت. در نیمه اول قرن شکست هسته و آزاد شدن نیروی اتوم انقلاب عظیمی در تاریخ بشریت به شمار آمد و چنین بنظر می رسید که قرن ۲۰ را باید قرن اتوم خواند اما بزودی مشخص گردید که نیروهای مخرب تر از اتوم هم وجود دارد و بعد این سوال ایجاد شد که آیا انسان مجبور است تا میزان توانائی خود در تخریب جهان و کشتار انسان را با افتخار به عصر خویش اطلاق کند؟

زمانیکه نخستین انسان به فضای خارجی رفت قرن ۲۰ را قرن فتح فضای خارجی نام نهادند و قدم نهادن نخستین انسان به سطح کره، ماه تحولی چنان عظیم بود که بشر گمان نداشت واقعه ئی از این بزرگتر در قرن حاضر رخ دهد و بنا بر این نام قرن ۲۰ بعنوان قرن فتح فضا یا عصر فضا در خاطره ها ثبت خواهد شد اما تلاش در جهت پیشرفت و تحول و تغییر که در نهاد آدمی وجود دارد با ایستائی و سکون در تضاد است به همین علت پیشرفت تکنالوژی نامهای دیگری را برای قرن ۲۰ به ارمغان آورد که مهمترین آن پیشرفت باور نکردنی در بخش کمپیوتر است.

چند سال قبل موقعیکه یك سفینه، بی سرنشین امریکائی پس از مدتها طی طریق به نزدیکی سیاره مریخ رسید و معلومات بسیار جدید در باره، این سیاره همراه با عکس های روشن به زمین مخابره کرد دانشمندان ابراز تاسف نمودند از اینکه چند سال قبل که این سفینه به فضا پرتاب شد کمپیوتری که درین سفینه نصب گردید در مقایسه با امروز بسیار ابتدائی بود و کمپیوتر هائی از آنگونه را امروز مردم در دفاتر و منازل خود بکار می گیرند! این خود نشانه ئی از سرعت پیشرفت و تکنالوژی و علم است و امروز که این سطور نوشته میشود دانشمندان به کمپیوتر چنان توانمندی بخشیده اند که مثلاً اگر شما مطلبی را با صدای خود بزبان انگلیسی در مایکروفون کمپیوتر قرائت کنید، کمپیوتر در اسرع وقت آن مطلب را نه تنها بزبان فرانسوی یا هسپانوی بروی صفحه، کامپیوتر می نویسد بلکه با تلفظ صحیح نیز آنرا به همان زبانها برای تان می خواند. میتوان گفت در قرن ۲۱ انقلابی در آموزش و تعلیم و تألیف و ترجمه ایجاد خواهد شد بحدی که میتوان یك کتابخانه، بزرگ را در حافظه، یك کمپیوتر جا داد و هر زمان که بخواهیم مطلبی را در رابطه با یك موضوع خاص در کتابهای مختلف جستجو کنیم مجبور به صرف وقت و ورق زدن دها کتاب نخواهیم بود فقط کافیست موضوع را به کمپیوتر بدهیم تا او خود تفصیل آن موضوع را در مدت کمتر از یك دقیقه از کتب مختلف جمع آوری نموده با ذکر نام وصفحه، کتاب در اختیار ما بگذارد.

علم به انسان امروز قدرت بخشیده و غرب این قدرت را در جهت صرفاً مادی آن بکار گرفته است. نخستین عامل این پیشرفت خود انسان است و اگر انسان اراده، پیشرفت داشته باشد بزرگترین قدرت های مادی در برابرش بزانو در می آید. در سال ۱۹٤۵ زمانیکه جنگ جهانی دوم به پایان رسید از آلمان و جاپان دو کشور شکست خورده وویران بر جا ماند که زیربنای اقتصادی آنان یکسره نابود شده بود. امروز پس ازنیم قرن جاپان مبدل به قدرت اقتصادی ئی شده است که امریکا از آن در هراس است و آلمان نیز یك قدرت بزرگ اقتصادی در جهان به شمار می آید.

اکنون نگاهی به جهان اسلام بیاندازیم، سر زمین وسیعی که ۱/٦ نفوس جهان در آن زندگی می کند. حالت جغرافیائی دنیای اسلام طوری است که مقام راههای مهم تجارتی جهان از این سرزمین ها می گذرد، کشورهای اسلامی مملو از وسایل و مواد خام است در تولید نفت در جهان کشورهای اسلامی تقریباً ۵۰ فیصد سهم دارند و ٤۰٪ از مجموع مواد خام جهان از کشورهای اسلامی به کشورهای صنعتی صادر میشود، درحالیکه سهم مسلمانان در مجموع عاید ناخالص ملی جهان فقط ٤.۵ فیصد است. در اقتصاد جهان کشورهای غربی وشرق دور تسلط کامل دارند. این خود نشان میدهد که کشورهای اسلامی در استفاده از وسایل دست داشته، خویش سعی و تلاش لازم را بعمل نیاورده اند. در مقایسه با کشورهای اسلامی وقتی وضع جاپان را مورد بررسی قرار میدهیم می بینیم که وسعت این کشور کمتر از یك فیصد از مجموع وسعت جهان است واز تمام اراضی کشور فقط ۱۷.۰ فیصد آن قابل زرع است. جاپان برای تأمین نیاز کشور ۳۰ فیصد مواد غذائی و هشتاد و پنج فیصد نفت خود را از خارج وارد میکند با وجود این نیازمندی به خارج، امریکا نیز در بازار های جهان و حتی بازار داخلی خود توان رقابت آزاد با جاپان را ندارد.

همانگونه که قبلاً اشاره شد قرن بیست در تاریخ بشر دارای مقام بسیار مهم است اما تمام پیشرفت ها و اختراعات این قرن را غربی ها انجام دادند و مسلمانان درین عرصه نقش قابل ذکری نداشته اند علت اصلی آن اینست که در جهان اسلام توجه به ساینس و تکنالوژی بسیار کم بوده است.

در جهان هرسال بیش از یکصد هزار کتب مختلف علمی و بیش از دوملیون مقاله در موضوعات ساینس و مسایل مربوط به تکنالوژی به نشر می رسد در مجموع این نشرات علمی سهم دنیای اسلام فقط ۱۲۰۰ کتاب و مقاله است و این خود نشان میدهد که مسلمانان تاچه حد از این قافله عقب اند.

طبق یك گزارش از طرف یونسکو اگر یك کشور قصد وارد شدن به شاهراه ترقی و پیشرفت رادارد باید در آن کشور تعداد زیادی ریاضیدان و اذهان علاقمند به تحقیق و تخنیك وجود داشته باشد بطور مثال در امریکا و بعضی از کشور های اروپائی تعداد ساینسدانان که به تحقیق مشغول اند ۲٦۰۰ نفر در یك ملیون نفر است. در جاپان و سنگاپور این تناسب ۱۵۰۰ در یك ملیون میباشد در حالیکه درجهان اسلام این تناسب تقریباً یکصد نفر در یك ملیون است. در امریکا ۷۵۰ هزار ساینسدان وجود دارد در اتحاد شوروی قبل از سرنگونی دوصد هزار انجنیر وجود داشت در جهان اسلام فقط پنجاه هزار انجنیر وجود دارد (پاکستان پنج هزار انجنیر دارد) (منظور انجنیران و ساینسداناتی است که بکار تحقیق و ریسرج اشتغال دارند). نکته، جالب اینجاست که در امریکا تقریباً سی هزار ساینسدان مسلمان مشغول کار است این مغز ها بخاطر شرایط بهتر کار و زندگی از کشور های اسلامی به آنجا رفته اند.

پیشرفت تکنالوژی نیازمند به تحقیق و ریسرج است و تحقیق نیز به نوبه، خود نیاز به سرمایه، کافی دارد. کشور های پیشرفته همه ساله برای تحقیق مبالغ هنگفتی را به مصرف می رسانند و مردم این کشور ها قسمت اعظم از مصارف این تحقیقات را از طریق پرداخت مالیه و تکس می پردازند کمپنی های شخصی نیز سالانه ملیونها دالر در بخش تحقیقات علمی به مصرف می رساند در جاپان هشتاد در صد از مصارف تحقیق را کمپنی های شخصی می پردازند در امریکا سالانه بیش از ۱۵۰ ملیون دالر به مصرف تحقیقات علمی می رسد. در جاپان ۳ فیصد از مجموع بودجه، سالانه، در انگلستان دونیم فیصد، در اسرائیل دو فیصد و در هندوستان یك فیصد از آن به مصرف تحقیق علمی می رسد در حالیکه در سراسر جهان اسلام هیچ کشوری وجود ندارد که حتی یك در صد از بودجه، سالانه، خود را به تحقیقات علمی اختصاص بدهد.

در جهان هرسال بیش از یکصد هزار کتب مختلف علمی و بیش از دوملیون مقاله در موضوعات ساینس و مسایل مربوط به تکنالوژی به نشر می رسد در مجموع این نشرات علمی سهم دنیای اسلام فقط ۱۲۰۰ کتاب و مقاله است و این خود نشان میدهد که مسلمانان تاچه حد از این قافله عقب اند.

پوهنتونها و موسسات عالی تعلیمی در پیشرفت ساینس و تکنالوژی و بیدار کردن شعور علمی در جامعه دارای نقش بنیادی و اساسی اند. و افراد تحصیل کرده در یك جامعه سرمایه، اصلی آن جامعه بشمار می آیند نتیجه و حاصل تحقیق و تفحص چنین مغز ها میتواند مسیر تاریخ جوامع را تغییر دهد. در سراسر جهان اسلام امروز حدود سه صد پوهنتون وجود دارد و در میان کشور های اسلامی از نظر تعداد پوهنتونها اندونیزیا در سر فهرست است و درین کشور ۱۲٦ پوهنتون موجود است و فیصدی محصلین رشته های ساینس درین کشور ۲۵ فیصد است درین کشور تقریباً ده هزار ساینسدان به کار تحقیق اشتغال دارد و تعداد مجموعی ساینسدانان درین کشور یکصدو چهل هزار نفر است در پاکستان ۲۲ پوهنتون وجود دارد درین کشور تقریباً دوصدو پنجاه هزار ساینسدان موجود است اما از مجموع این تعداد فقط پنج هزار نفر به کار تحقیق اشتغال دارند. در مصر ۱٤ پوهنتون وجود دارد که تناسب محصلین رشته های ساینس ۳۷ فیصد و تعداد ساینسدانان درین کشور تقریباً یك ملیون و دوصد هزار نفر است در مالیزیا هفت پوهنتون و تقریباً دوصد هزار ساینسدان وجود دارد در مقابل تایوان با مساحت ۱٤ هزار میل مربع و بیست ملیون نفوس ٤۲ پوهنتون و ۷۵ پولتخنیك دارد که همه ساله از انها ۳۷ هزار انجنیر و یکصدوپنجاه هزار تکنیشن فارغ التحصیل می شود عاید سرانه درین کشور در سال ۱۹۸٦ سه هزار دالر فی نفر بود که درسال ۱۹۹۵ یعنی در مدت چهارسال عاید سرانه به هفت هزار دالر بلند رفت (مقایسه کنید عاید فی نفر در پاکستان سالانه تقریباً ۳۵۰ دالر است).

دلیل عمده عقب ماندگی مسلمانان از کاروان پیشرفت و ترقی اینست که مسلمانان به تعالیم دین خویش بصورت درست عمل نمی کنند. در بعضی از کشور های اسلامی علمائی وجود دارند که توجه به علوم مادی و ساینس و تکنالوژی را کم اهمیت دادن به علوم دینی تلقی نموده و پیشرفت درین ساحه از علوم را به منزله، مقابله با علوم دینی می دانند در حالیکه برای مقابله با تهدیدات دشمنان اسلام، مسلمانان به مغز های تخنیکی بمنظور پیشرفت در ساینس و تکنالوژی ضرورت دارند تنها باید تاکید درین باشد که ساینسدان مسلمان در عین حال که از دانش تخنیکی برخوردار است در دین نیز عالم بوده و به آن عمل کند.

در جهان اسلام دست های دشمن اسلام درکار اند تا این طرز فکر را در میان مسلمانان عام سازد که غرب دین را به کنار نهاد و به پیشرفت نایل شد و مسلمانان نیز اگر میخواهند به پیشرفت مادی نایل گردند باید یکسره با معنویت وداع گویند.

کسانیکه این ادعا را دارند یا درفهم از این قضیه دچار اشتباه اند ویا با حقایق تاریخی بیگانه اند.

غربی ها مذهب را به کنار ننهادند بلکه آنچه را که آنان به کنار نهادند پندارهای ساخته، ذهن انسان بود که با تعالیم مذهبی خلط گردیده و دین و مذهب را حایل و مانع در راه پیشرفت و ترقی ساخته بود. اصلاحات مذهبی در اروپا از میان برداشتن همین خرافات و پندارهای غلط را موجب گردید و سبب شد تا غرب به انقلاب صفتی نایل آید. در حالیکه در دین اسلام هرگز چنین مانع وجود نداشته وندارد و به شهادت تاریخ در روزگاری که اروپا غرق ظلمت قرون وسطی بود مسلمانان به پیشرفت های چشمگیر علمی نایل گردیده بودند وحاصل همین ترقی علمی مسلمانان بعد ها مشعل راه اروپا در دسترسی به مدارج بلند از علوم و فنون گردید بنا بر این اسلام هرگز مانع تحصیل علم و تکنالوژی نبوده و نیست بلکه قصور از مسلمانان است که نتوانسته اند خود را برای مقابله باچلنج های عصر حاضر عیار سازند.

دمستیری نوی هڅې او دټولنی نوی واقعیتونه

له هغی ورځی نه چی زمونږ په هیواد دجګړی تور حادر زمونږ دهیواد په کورنیو چارو کی دبوی بهرنی لاسوهنی په لړکی غوړیدلی دی زمونږ پر هیوادوالو او دافغانستان پر اسلامی دولت بأندی جګړی تپل شوی او تحمیل شویدی.

سربیره پردی تکی دی چی دولت دوخت او زمان په بیلا بیلو پړاوونوکی پر خپلو مخالفینو دتفاهم غږ کړیدی او ددی تکی یادونه یی په وار وار کړیده تر څو بنکیل لوری خپلی غوښتنی دخبرو له لاری مطرح کړی نه دجګړی او ورانی له لاری خودی خبری ته مخالفینو لږ مثبت ځواب ورکړیدی، د دولت مخالفینو سربیره پردی چی دسولی دپلوی او ملاتړ ادعایی کړیده خو برعکس دهر سوله ییز نوښت دسبوتاژ او خنثی کیدو لپاره هڅی کړی او دسولی پر توافقاتو یی پښه ایښی ده.

ددغو ستونزو او کړکیچونو دحل او دبوی لاری دموندلو په غرض سر بیره پر افغانی لورو او ډلو نړیوالو سازمانونو لکه د اسلامی هیوادونو کنفرانس او دملګری ملتونو سازمان هم خپلی سوله ییزه هڅی پیل کړی.

دولت له هر لوری نه چی دسولی او اوربند غږ را اوچت شویدی خپل ملاتړ یی ښودلی او اعلان کړیدی اوله هغه لوری سره یی دهر ډول مرستی او همکاری پخه ژمنه کړیده.

دسوله ییزو هڅو په لړکی دنورو ترڅنګ ښاغلی محمود مستیری دملګرو ملتونو دسازمان ځانګړی استازی هم دجګړی له پیل سره خپلی هلی ځلی پیل کړی او تراوسه یی دخپلو هڅو څلور پړاونه ترشا پریښی دی، پداسی حال کی چی دافغانستان اسلامی دولت دملګرو ملتونو سازمان

ښاغلی مستیری دخپل ماموریت په پنځم پړاو کی باید داتکی او خصوصاً د تیرو تر شاپاتی پړاونو دناکامی علتونه او تجارب په پام کی ونیسی او دنویو حالاتو په رڼا کی دټولنی دنویو عینی واقعیتونو په هنداره کی خپلی هڅی او هلی ځلی جدی او چټکی کړی

ځانګړی استازی هڅو او هلو ځلو ته په درنه سترګه ګوری او هلو ځلو سره یی هیڅ ډول مرستی نه ده نه کوی خو ښاغلی مستیری څو وار دخپلو غیر مسئولانه اظهاراتو سره ددغو هڅو او هلو ځلو په وړاندی پوښتنی او شکوك را مینځته کړل چی هغه تکی هم دولت جدی ونه انګیرل، کنه نو دیوه نړیوال سازمان لوړ رتبه مامور باید خپلی خبری شمیرلی او وینا یی محتاطانه شکل ولری په ځانګړی توګه د داسی یوه هیواد په اړه چی هلته دغه سازمان دمتعددو لورو او دولت ترمینځ دسولی او تفاهم پر خبرو بوخت دی.

ښاغلی مستیری سربیره پردی چی دیوه میکانیزم په تشکیل کی دخپلو هلو ځلو په څلورم پړاو کی پاتی راغی تر څو د زیدخلو لورو دمنلو وړ میکانیزم را مینځته او واك انتقال کړی خو خپله ماته یی پر دولت واړوله سره له دی چی دولت دده له هڅو پوره ملاتړ کاوه.

خو دا وار ښاغلی مستیری خپلو سوله ییزو هڅو پنځم پړاو پداسی حال کی پیل کوی چی دهیواد په پایتخت کابل کی پوره ثبات را مینځته شوی او دټولنی بیلابیل اړخونه په بیا ودانولو او دجګړی دورانیو په آبادولو بوخت دی چی پدی مورد دافغانستان اسلامی دولت پر ملګرو ملتونو هم دمرستی لپاره غږ کړیدی.

دولت باوجود دښکاره پوځی برلاسی چی په ټول هیواد کی لری دیوه اصل په بناء خپلی سوله ییزی ستراتیژی پر بنسټ له سوله ییزو هڅو په ځانګړی توګه دمحمود مستیری له هڅو نه پوره ملاتړ کوی او دولت هیله لری چی ښاغلی مستیری ژر تر ژره سیمی ته سفر وکړی او خپلو سوله ییزو هڅو ته دجامعی دعینی واقعیتونو په رڼا کی دپلی کیدو زمینی برابری کړی.

ښاغلی مستیری دخپل ماموریت په پنځم پړاو کی باید داتکی او خصوصاً د تیرو تر شاپاتی پړاونو دناکامی علتونه او تجارب په پام کی ونیسی او دنویو حالاتو په رڼا کی دټولنی دنویو عینی واقعیتونو په هنداره کی خپلی هڅی او هلی ځلی جدی او چټکی کړی.

حقوق زن در میراث و ادای شهادت

چرا مردان در میراث دو برابر زنان سهم میبرند؟

نویسنده: محمدالغزالی دانشمند مصری
ترجمه: عبدالحفیظ (همام)

مسئله بدست آوردن نفقه زن توسط خودش مشکلی است که باید مطرح ساخت، حقا که اسلام درین راستا دارای روش خاصی است که برخلاف آنچه در نظامهای سوسیالیستی ویا کپیتالیستی معمول بوده است ویژگی ارزنده، را دارا میباشد.

زن در سایه، نظامهای دیگر هنگام بلوغ خود مختار گردیده و آینده اش بخودش تعلق میگیرد، و تکلیف معشیت زندگانی متوجه خودش گردیده و در هر گوشه و کنار در پی کسب قوت لایموت زندگی می برآید، تا زمینه، امرار حیات خویشتن را فراهم ساخته باشد وبدینوسیله مزاحم مردان در هر میدان گردیده اند.

این حالت به وضعیتی منجر گردیده است که در نتیجه آن با از دست دادن عفت تعداد زیادی از زنان، و در آویختن گرگان درنده، به عناوین مختلف به ناموس، و شرف شان حیثیت ووقار آنها پایمال شده است.

جوامع اروپایی و امریکایی و استرالیایی بخاطر ارزش دادن فعالیت جنسی علایق جسدی را مدار اعتبار قرار داده و هرگونه روابط اخلاقی و دینی را لگدمال نموده اند، و ارزش دادن باین فلسفه، حیوانی نتائج بس خطرناکی را ببار آورده است.

اسلام بطور قاطع این فکر و آثار مرتب بر آنرا مردود می شمارد، بلی گاهی زن در شرایط و ظروفی قرار میگیرد که چاره، جز کار کردن ندارد، البته آنهم بعد از فراهم شدن زمینه های برای حفظ و صیانت شرف و عفت و یا در نظر داشت کسب رضایت پروردگار.

اما اینکه وی مکلف گردد تا بزحمت چیزی بدست آرد و یا برای مردیکه انتظار ازدواجش را میکشد مهر تهیه و تدارك ببیند، ابدا اسلام چنین کاری را نمی پذیرد.

در چنین احوال اسلام نفقه، وی را بدوش پدر و یا برادر و خویشاوندانش لازم میگرداند، و اگر اقاربی نداشت بیت المال مسلمین مصارف حد کفایی او را بدوش میگیرد.

وبرای آنکه این مسئولیتها بمرد تعلق میگیرد، وبخاطر آنکه توانسته باشد از عهده، چنین مسئولیتی برآمده بتواند سهم مرد در مال میراث در بیشتر موارد دوچند سهم زن بوده است، ودر بعضی حالات میتواند قسمتهای هر یك باهم برابر باشند، همانگونه که اسلام مرد را مکلف دانسته است تا برای زن مهر بپردازد نه برعکس آن طوریکه در بعضی ازادیان معمول بوده است.

پس بر مرد است یا برای نفقه، زن و فرزندش دست بکار شود اگر شرائط وحالات خاصی دست دهد تازن بیرون از خانه مجبور بکار شود، این از حالات واعتبارات خاصی برخوردار است میتواند موجه تلقی شود!

عده، از جاهلان از برتری مرد برزن در مسئله، میراث استفاده، سوء نموده خواسته اند تا مقام زن را پائین آورده و بوی اهانت نمایند، و آسیب این بیخردان ازین ناحیه با سلام بس بزرگ بوده است!

درینجا حدیثی را می آوریم که ضرورت به بیان تدبر دارد چون آن زبانزد عامه بوده و مغرضانه برای تحقیر زنان و بر انگیختن عداوتشان برضد اسلام بکار برده شده است... امام مسلم از ابوهریرة (رض) روایت نموده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای گروه زنان صدقه نمائید و استغفار زیاد کنید، زیرا من اکثر شما را اهل دوزخ دیدم» زنی از آنها گفت: چرا ما اکثر اهل دوزخ باشیم؟ فرمودند: «شما لعنت زیاد نموده و کفران نعمت شوهر را می نمائید، ندیدم از ناقصات عقل و دینی کا غالب تر از شما بریك انسان عاقل باشد» (یعنی هیچ چیز نمیتواند انسان عاقل را مانند زن زود بفریبد) گفت: نقصان عقل دین ما چیست؟ فرمودند: «شهادت دوزن برابر شهادت یك مرد است و روزهائی را (در ایام حیض و نفاس) درنگ نموده نماز نمی گزارد و روزه را میخورد و این است نقصان دین»

قبل از آنکه بر ظاهر این حدیث حکم نموده و مفهوم آنرا شرح دهیم، حدیث دیگری را که در سندش نسبت بآن قوی تر و از حیث تکرار سیاق و تعدد روایات بیشتر از آن ثابت است تذکر میدهیم:

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برجنت اطلاع یافتم، دیدم که اکثر اهل آن فقرا اند، و بر دوزخ مطلع شدم دیدم که بیشتر آن زنانند» و در روایت احمد «.. دیدم که اکثر اهل دوزخ ثروتمندان وزنانند»

ظاهر این حدیث چه مفهومی را افاده مینماید؟ و تاثیر مستقیم آن در ساختن امت اسلامی چگونه است؟

مفهوم ظاهری آن ترجیح فقر بر ثروت و تنگدستی بر آسایش، و فضلیت ناداری بر داشتن و قوت است...

اگر مسلمانان بر ظاهر این حدیث باساس آنکه از پیامبر شان روایت شده توقف نموده و در حد معنای ظاهری آن بایستند آیا ممکن خواهد بود دولتی و یا تمدن شکوهمندی را بنا نهاد؟ و یا بتوان دشمنی را در میدان جنگ ذلیل و زبون ساخت؟

و بدون شك این امریست محال، حقیقت آنست که ظاهر آن اصلاً مقصود نبوده و فهم آن از مستوای سطحی نگران بالاتر است، و بناء در کتاب دیگری گفتیم که سنتی بدون فقه وجود ندارد!

داشتن این تصور که هر ثروت رذلیت است پنداریست نهایت پوچ و سخیف، بلکه ثروت محقور و نار وا همانست که از طریق حرام بدست آمده و یا اموال احتکار شده است که جامعه از آن سودی نمی برد، حقا که ثروتمندان ازین قماش دشمنان خدا و دشمنان ملتها هستند، و اگر دوزخ از ایشان پرشود آن سرنوشت عادلانه ایست که نصیب آنها شده است.

اما بدست آوردن مال از راه حلال و مشروع و اداء حق الهی از آن، و قرار دادن آن در راه اعلای اسلام و حمایت از سنگر های آن، امریست که میتوان آنرا اصل ایمان شمرد.

و آن ده نفر صحابی ایکه به بهشت مژده داده شده اند از همین قبیل مردمان بوده اند و در میانشان مرد فقیر وجود نداشته است.

اما فقیریکه مال حلال کم را بر حرام زیاد ترجیح داده و بآن قناعت میورزد و یا کسیکه با زحمت و مشقت چیزی را مالك گردیده و آنرا در راه پروردگارش فدا می سازد، اجر و پاداش او کمتر از دیگران نمی باشد، و اینکه وی از شخص ثروتمند (در پاداش) سبقت میجوید و یا ثروتمند از آن، کاریست که بما ربطی ندارد، بلکه این مسئله مربوط به پروردگار علام الغیوب است.

اگر اکثریت اهل دوزخ زنان بوده اند پس این آیت قرآنی چه مفهوم دارد؟ «.. بهشت های جاودان که بآن داخل میگردند، و آنانکه صالح اند از پدرانشان و زنانشان و او لاد هایشان» الرعد ۲۳

واقعیت آنست که ذکر حدیث نبوی بدون تأمل و دانش نوعی از تحریف سنت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بشمار میرود، و مصیبت های وارده بر سر اسلام از ناحیه، اینگونه تصرفات چه بسا بزرگ و ناگوار است!

و بر میگردیم بر سر حدیث «زنان و قصور عقل و دین» آغاز این حدیث میخواهد خانواده، مسلمانرا از بروز نزاکتها و جارو جنجال های فامیلی بر حذر دارد در حالیکه عاملش زینست که از برکت مال و منال شوهرش زندگی نموده و بفضل و حقوق آن ناسپاسی می نماید، و گاهی میشود قصور از شوهر باشد و این امر طبعیت هر انسان است که خطا میکند، وزن باید از خطای وی در گذرد، و شاید آنهم از نظر زن خطا تلقی گردد، اما وی در عوض خشم و نا سپاسی پیشه نموده و با قهر و انفعال همه نیکوئیهای شوهر را بفراموشی می سپارد، و بزعمش هیچ احسانی از شوهرش ندیده است، وگاهی هم بخت خویش را و آنچه باوی صورت پذیرفته و یا می پذیرد بباد لعنت میگیرد!

پس این حق رسول خدا صلی الله علیه وسلم است که زن را ازین گونه روش نادرست باز دارد و برای خانمها بفهماند که اگر به چنین سلوکی اصرار ورزند از اهل دوزخ خواهند بود.

دنباله، حدیث چنین است: «.. ندیدم از ناقصات عقل و دینی که غالب تر از شما بریك انسان عاقل باشد» این جمله بما قبلش پیوند دارد، زیرا مرد برای آنکه فضای سکون و آرامش را در منزلش حاکم ساخته و از شرر و هیاهو محفوظ نگهداشته باشد نسبت بخانمش جانب ملایمت و نرمش را اختیار مینماید، و علی الرغم آن گاهی این رای معقول و پسندیده را زن لجوج و بوالهوس بباد داده و با لجاجت و خودکامگی اش شوهر خردمند و عاقل را به ستوه و خشم وا میدارد، و این همانا شکست خوردن انسان عاقل است همانگونه که حدیث پیامبر تعبیر میکند، طوریکه در جوامع زیادی میابیم که خواسته های زن بر عزم واراده مردان غلبه داشته است.

زن با وجود ضعف که دارد دوست دارد تا به هم نوعانش غالب آید و میخواهد خود را بر دیگران تحمیل سازد! و ممکن که بگویی، کدام ضعف؟ بلی ناتوانی در تکوین و آفرینش، زیرا او را عادات ماهانه علیل و رنجور ساخته و بالای اعصاب و افکارش تاثیر میگذارد، وبدین اساس پروردگار آنها را نسبت بانجام بعضی واجبات معذور داشته است.

عده، از سطحی نگران در دین خواسته اند که ازین حدیث مسائلی را بفهمند که هیچگونه ارتباطی با اسلام ندارد، و ازان یك قاعده، کلی درست نموده و در میان امت اسلامی به نشر و پخش آن همت گماشته اند که گویا «زنان ناقصات عقل و دینند»

بهر حال اگر «ال» (باساس قاعده، نحوی) برای جنس باشد و یا استغراق، این عمومیت شائع چه از ناحیه، عقل و چه از ناحیه، نصوص شرعی فاسد و نارواست، چه بسا زنانی که در تاریخ گذشته و چه در زمان معاصر بمنظور رضای پروردگارشان از هیچ فداکاری دریغ نورزیده، و در راه دین و امت اسلامی خدمات بس بزرگ و ارزنده، تقدیم داشته اند.

و این قاعده، کلی به زعم بعضی ها با آیات قرآنی که زنان و مردان را در انجام خیر و حصول اجر و پاداش دریك ردیف قرار داده اند تناقض و تصادم دارد، و همچنان با احادیثیکه زنانرا خواهران مردان خوانده است منافات دارد.

مصیبت اسلام آنگاه بزرگتر گردید که بعضی ها بمنظور بر انگیختن زنان زن معاصر را برضد اسلام، نقصان عقل را به «حماقت» و نقصان دین را به «معصیت» تفسیر نموده و زن بودن را مرادف با دنائت و احتقار قرار داده اند، و این اندیشه همانا امتداد جاهلیت اولی است که تاحال ادامه داشته و چیزیست که احساس زن مسلمانرا خدشه دار می سازد، در حالیکه اسلام ازین بیهودگی بکلی منزه است.

بعد ازین تفصیل می پرسیم: آیا همه، زنان متصف به بخل هستند؟ آیا هر یکی آنها بی مروت و ناسپاس اند؟ و آیا هر کدام از زنان متهم به نادیده گرفتن نیکویی و احسانند؟ و این تاچه حد از واقعیت زندگی بدور بوده است!

ولی متأسفانه تا هنوز مسلمانانی وجود دارند که ثروت را راه خطرناکی بسوی دوزخ می پندارند و کسان دیگریکه زن بودن را آسان ترین راه بسوی جهنم!

و ما میخواهیم که دین مانرا از آلودگی های مفتیان کاذب برائت دهیم و در قبال نصوص و روایات جانب انصاف را گرفته و از دست آنهائیکه بدون دانش و آگاهی در آن تصرف میکنند بیرونش سازیم.

دجهاد بچیان د مجاهدینو او هیواد پرخلاف په توطیو او دسیسو ښه پوهیږي

دعقرب دریمه نیټه هغه درده وونکی او تاریخی ورځ ده چه نو نهال محصلین او متعلمین د دارالامان په سرك دحبیبیی دلیسی تر مخ ظالم جنرال عبدالولی چه دقوای مرکز قوماندان وه په قتل ورسول او ددوی بدن ئی دزرپوشونو دثقیله ماشیندارو دمرمیو په واسطه غلبیل غلبیل کړل.

میندی بوری کړی په کورونوکی ماتم راوستو دا واقعیت د آئینی په شان روښانه دی کله چه دمحصلینو میندی د واقعی محل ته راغلی او خپل ځامن ئی دمرگ په حالت کی ولیدل چه دظالم جنرال عبدالولی دزرپوشونو دمرمیو په ذریعه سوری سوری د دارالامان په سرك دحبیبی د لیسی تر مخ پراته وه دمحصلینو میندی د ډیر غم او دوك نه دخپلو ځامنو په جسدونو باندی بیهوشه پریوتی او وروسته چه په حال شوی په چغو په واویلاوو ئی دخپلو ځامنو وینی ئی په لاسونو راخیستی او پر خپلو مخونونی موښلی.

مسلمان او مجاهد ملت دی دا دردناك او تاریخی واقعات په نظر کی راولی چه دی غداری او ظالمی کورنی دخپل اقتدار په وخت کی څه ندی کړی

- دپل خشتی دجامع جومات واقعه بوه نه هیر دونکی واقعه ده همدی اسلام دشمنه شاه علماً په زندانونوکی واچول بی رحمانه شکنجی ورکړی بالاآخره په زندانونو کی په شهادت ورسول. دکمونیستی سازمانونو فعالیت ته ئی زمینه مساعده کړه چه وروسته شاه وتښتیده او افغانستان ته روسان راغله اوس دوی په هیڅ وجه د افغان مسلمان قوم عزت نشی ساتلی.

ظاهرشاه څلویښت کاله افغانستان پاچا وه او دافغانستان مجاهد او قهرمان ولس خپله قهرمانی په خپل څوارلس کلن جهاد کی ټولی نړی ته په ثبوت ورسوله دی قهرمان او با شهامته ولس ظاهرشاه ته داسی بیعت ورکړی وه چه دانسان په فکر کی نه جوړیږی حتی دیوی ولسوالی یو سپاهی پداسی حال کی چه دریشی به ئی څو ځایه پیوند وه بوتان به ئی شکیدلی وه دجلب په خاطر به دیوی نری لښتی سره به یوی عظیمی دری او ستر ولس ته ولاړو خو چه ژغ به شو چه دحکومت سپاهی راغلی ددی عظیمی دری اوستر ولس ټول خلك به په ډیر احترام بیله کوم سوال او ځواب نه دسپاهی سره به ئی یو ځای ولسوالی ته مراجعه کوله خو دوخت ولسوال به دا دولس غیرتی خلك په قسم قسم رکیکو الفاظو دتهدیداتو لاندی راوستل د دومره تهدیداتو سره سره به دی با شهامته ولس دظاهرشاه دحکومت مکمل احترام ساتلو.

ظاهرشاه لاړو بالاخره کمونستان د روس په ملاتړ اقتدار تر لاسه کړوملت دکمونستانو د غیر اسلامی او غیر انسانی سلوکو نه تنگ شو، دکمونیست رژیم پر ضد را پاڅیدل په تش لاس یی د ترکی او امین کفری ځواکونه تارومار کړل.

روسانو او کمونستانو ته افغان مجاهد ولس داسی دعبرت درس ورکړو چه کلونه کلونه به ئی هیر نکړی، پنځه ملیونه افغانان پاکستان ته مهاجر شول.

داملت سرولمبوکی پروت وه بالاخره همدا ملت وه چه ظاهرشاه ته ئی پوره څلویښت کاله بیعت ورکړی وه مگر دظاهرشاه او شاهی خاندان ورسره هیڅ فکر نه وو په ډیر ډاډ او بی غمه زړه ئی د ایتالیا دروم په مانیو کی په خپله عیاشی او فحاشی کی ډوب تللی وو دافغان مجاهد قوم ورسره محض دا فکر نه وو چه څه پری کیږی.

اوس چه افغان مجاهد ملت روسان دخپلی خاوری نه په ډیر ذلت سره وشړل دکمونیزم بلاك ئی په ټوله نړی کی دړی وړی کړ یو نیم ملیون مجاهدین شهیدان شول دوه ملیونه معیوب شول بی شمیره کونډی او یتیمان ئی پرځای پریښودل افغانستان دکمونستانو لخوا وران او ویجاړ شو خودی څوارلس کلن جهاد ډیر بچیان روزلی دی چی دجهاد بچیان پدی دسیسو او توطیو ډیر ښه پوهیږی دوی به دنورو توطیو په شان دا توطیه هم شنډه او له خاورو سره خاوری کړی.

ډگروال محمد معصوم «اکبری» وردګ

محترم انجنیر عبدالرحیم...

محترم انجنیر عبدالرحیم مستشار سیاسی سفارت دولت اسلامی افغانستان در اسلام آباد در پاسخ استنباط غلط از سخنان وی در مصاحبه با روزنامه دان چاپ اسلام آباد نامه توضیحی نی عنوانی اداره، آن روزنامه ارسال داشته و ضمن آن در رابطه با مطلب منتشره مورخ ۷ جولای روزنامه مذکور چنین توضیحات ارایه نموده است.

در مورد عکس العمل پاکستان در برابر ادعا های مبنی بر تهیه اسلحه توسط هندوستان برای کابل پاسخ من صرف مسایل پرنسیپ ها و اصول را احتوا مینمود و بهیچوجه معنی آنرا نداشت که دولت اسلامی افغانستان از هندوستان اسلحه خریداری مینماید. من به این سخن تأکید دارم که دفاع حق علیای حاکمیت دولت اسلامی افغانستان میباشد که میتواند از هر منبعی که لازم بداند اسلحه خریداری نماید. چنین اظهارات نباید به این معنی تعبیر گردد که گویا ما واقعاً از هندوستان اسلحه خریداری مینمائیم. میخواهم به صراحت ابراز دارم که دولت اسلامی افغانستان هیچ نوع جنگ افزاری را از هندوستان خریداری ننموده است بلکه جراید با سؤ تفسیر از سخنان من چنین پنداشته اند که گویا ما از هندوستان اسلحه خریداری مینمائیم.

فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، خارج کشور

دور دوم نشراتی ـ سال دوم ـ شماره، سیزدهم ـچهارشنبه ۲۸سرطان ۱۳۷٤ هـ ش ـ۲۱ صفرالمظفر ۱٤۱٦ هـ ق ۱۹ـ جولای ۱۹۹۵م

برای ازسرگیری تلاشهای ملل متحد در رابطه با افغانستان:

محمود مستیری وارد پاکستان گردید

دفتر ملل متحد در اسلام آباد خبر داد آقای محمود مستیری نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در رابطه با افغانستان برای ازسرگیری ماموریتش وارد پاکستان شده است.

گزارش می افزاید مستیری قبل از آمدن به منطقه در شهر جده عربستان سعودی با سکرتر جنرال کنفرانس کشورهای اسلامی برای هماهنگ سازی برنامه کارش صحبت و تبادل نظر نمود.

قرار است آقای مستیری عنقریب وارد کابل گردیده و در مدت اقامت دو هفته ئی خود با مسئ لین دولت اسلامی و مخالفین ملاقات و مذاکره نماید.

لازم به یاد اوریست محمود مستیری سه ماه قبل با ظهور تحولات جدید در اطراف کابل بدون اینکه موفق به تشکیل میکانیزم انتقال قدرت در افغانستان گردد منطقه را ترک نمود.

رئیس جمهور کشور مان سفیر کبیر دولت اسلامی پاکستان را جهت ملاقات به حضور پذیرفتند

آژانس اطلاعاتی باختر از کابل خبر داد بتاریخ ۲٦ سرطان محترم پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی اقای قاضی همایون سفیر دولت اسلامی پاکستان را در قصر ریاست جمهوری غرض ملاقات به حضور پذیرفت.

دراین ملاقات در رابطه با انکشافات اخیر و اوضاع جاری صحبت بعمل آمد و توسعه همکاری های متقابل میان مردمان دوکشور برای تحکیم صلح مثبت ارزیابی گردید.

داتحاد اسلامی افغانستان مشر دیوی مطبوعاتی مرکی په ترڅ کی:

پاکستان ته دسردارولی راتګ او هڅی دافغانستان په اړه هیڅ بدلون نشی راوستی

کابل: دافغانستان اسلامی اتحاد امیر محترم پوهاند عبدرب الرسول سیاف ویلی دی چی پاکستان ته دسردارولی راتګ او دهغه هڅی دافغانستان په اړه هیڅ بدلون نشی راوستی حکه چی دا پیژندل شوی خبری دی، د دوی خلاف چی کومه کرکه دافغانانو ترمنځ موجوده وه هغه ددی باعث شوه چی هیواد یی موجوده حالت سره مخ کړ.

محترم پوهاند سیاف داخبره په کابل کی دیوی مطبوعاتی مرکه په ترڅ کی وکړه هغه وویل چی افغان ولس له پاکستان نه دا توقع نلرله چی داسی خلکوته به دعوت ورکړی څکه چی دوست داسی کارنه کوی، بلکی مونږ دا توقع لرو چی پاکستان به مونږ سره دورورۍ په لار کښی قدمونه اخلی.

محترم استاد سیاف دافغانستان اسلامی دولت سره دهند او روسیی دمرستو تورونه رد کړل او ویی ویل تیرو دریو کالوکی زه کابل کی یم دروسیی او هند په مرسته نه یم پوه شوی او نه می لیدلی دی خو افغانستان یو آزاد ملك دی نورو هیوادونو سره دروابطو ټینګولو حق لری.

داتحاد اسلامی امیر وویل تیرو درو کلنو جنګونو دکابل د اوسیدونکو اقتصاد ډیر خراب کړیدی خو مونږ فی الحال دامنیت مسئلی ته ډیر پام ګرځولی دی چی ورسره به ډیر ژر دژوند چاری دمعمول مطابق شی.

داتحاد اسلامی اجرائیه شوری غړو ترمنځ داختلاف دتورونو په اړه محترم پوهاند سیاف وویل چی دا هیڅ اساس نلری دمشوری دغړو تر منځ هیڅ اختلاف نشته.

مناطق وسیعی در ولایت جوزجان از لوث ملیشه ها پاکسازی و تعداد زیادی از آنان کشته و زخمی گردیدند

گزارش منابع نظامی از ولایت جوزجان حاکیست به سلسله پیشروی نیروهای اردوی اسلامی و تصفیه آن ولایت از وجود ملیشه ها مناطق شیر قلعه، تپه شیخ و ساحات دیگر در ولسوالی بلخاب بطور کامل پاکسازی گردید

در جریان عملیات شش تن از ملیشه ها هلاک دو تن زخمی ، پنج تن دیگر به اسارت مجاهدین در امد از ملیشه ها یك میل پیکا، یك میل راکت انداز، ده میل کلاشینکوف و مقدار کافی مهمات به غنیمت مجاهدین فرقه بیست و شش ولایت جوزجان در آمد.

پیشروی مجاهدین برای تصفیه ملیشه ها ادامه دارد.

جنرال سید عبدالحمید به شهادت رسید

با تأسف اطلاع یافتیم جنرال عبدالحمید کریمی یکتن از مجاهدان دلیر دریك درگیری رویاروی با ملیشه های مزاری در مربوطات ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان بتاریخ ۲۱ سرطان به شهادت رسید.

شهادت سید عبدالحمید ضایعه بزرگی در صفوف مجاهدین کشور به حساب میرود جنازه سیدعبدالحمید کریمی در جوار زیارت سخی در جمال مینه به خاك سپرده شد.

دوستم برای ملاقات با نماینده، ظاهرشاه به پاکستان می آید

روزنامه وحدت چاپ پاکستان ضمن افشای خبر آمادگی دوستم برای ملاقات با سردار ولی می نویسد رهبر ملیشه های شمال که در حال ائتلاف با حکمتیار بسر میبرد حاضر شده است جهت مذاکره با نماینده شاه مخلوع به پاکستان بیاید در حالیکه در گذشته دوستم چندین بار مخفیانه به پاکستان سفر نموده است.

اظهار آمادگی دوستم برای ملاقات با سردار ولی در حالی صورت میگیرد که شورای مرکزی حزب اسلامی طرح ظاهرشاه را رد نموده است و حکمتیار به عنوان یکی از جوانب شورای هماهنگی از ملاقات با داماد ظاهرشاه خود داری نموده است.

لازم به یاد آوریست حاجی منگل حسین نماینده حزب در اسلام آباد هنگام ورود سردارولی به استقبال وی در میدان هوائی اسلام آباد حاضر بود.

دافغانستان اسلامي اردو سره د مليشيانو دپيوستون په دوام

په بغلان کی دملیشیانو یو تن قوماندان برید جنرال حبیب اللّه دملیشیانو له لیکو ووت

دبغلان ولایت نه رارسیدلی خبرونوکی ویل شویدی دافغانستان اسلامی دولت قهرمانی اسلامی اردو سره د دوستم دملیشیانو دپیوستون په دوام د دوستم ملیشیانو یو تن قوماندان برید جنرال حبیب الله د۲۰٤ غند حیرتان قوماندان له خپلو افرادو سره دافغانستان اسلامی دولت داسلامی حاکمیت په درك سره دملیشو له لیکو نه ووت او داسلامی اردو ځواکونو سره دخپلو سپکو او درنو وسلو سپارلو سره اسلامی اردو ته تسلیم شو.

دافغانستان اسلامی دولت اسلامی اردو دشلمی فرقی مسئولینو او قوماندانانو •داسلامی دولت داسلامی حاکمیت په درك او داسلامی اردو په لیکو کی بوځای کیدو هرکلی کړیدی.

نوموړو افرادو خپلی سپکی او درنی وسلی داسلامی اردو شلمی فرقی مسئولینو ته سپارلی دی.

دجوزجان ولایت په سنګچارك کی دملیشیانو تعرض په شاه وتمبول شو

دجوزجان ولایت نه زمونږ خبریال خبر راکوی چی میړنیو مجاهدینو او داسلامی اردو غښتلی ځواکونو دخپلو پرله پسی او بریالیو عملیاتو په نتیجه کی چی د دوستم ملیشیانو ځالی یی یوه په بله پسی فتحه او سیمی تری تصفیه کړی په تصفیه شوو سیمو د دوستم ملیشیانو یو تعرض د سنګچارك په سیمه کی په شاه تمبول شویدی.

داسلامی اردو ځواکونو دغه تعرض د طاقه په سیمه کی په شا تمبولی دی ددغه تعرض په جریان کی اته تنه ملیشیان مړه او ګڼ شمیر ټپیان شویدی.

داسلامی اردو حواکونو خپلو تعرضی عملیاتو په ترح کی دملیشیانو ګڼ مورچلونه نیولی او یوه دمهماتو دیپو چی په ملیشیانو پوری اړه درلوده ویجاړه کړیده.

دو قوماندان ملیشه و چهل و شش تن از افراد شان در ولایت سمنگان به دولت اسلامی پیوستند

گزارش رادیو افغانستان به نقل منابع نظامی از ولایت روی دو آب ولایت سمنگان حاکیست دوتن از قوماندانان ملیشه های دوستم بنامهای شرف و آته بای با چهل وشش تن از افراد وابسته شان بتاریخ ۲۵ سرطان سالجاری در مربوطات ولسوالی روی دوآب ولایت سمنگان به دولت اسلامی پیوستند.

مجاهدین لوای جهادی قوماندان صادق از پیوستن افراد نامبرده به مجاهدین آن قرارگاه استقبال نمودند.

انجنیران ربوده شده آلمانی در پاکستان در بدل پول گزاف آزاد شدند.

جراید چاپ پاکستان خبر دادند دوتن از انجنیران آلمانی که ماه قبل از کوهات رود پشاور توسط افراد مسلح ربوده شده و ناپدید بودند دریك منطقه کوهستانی ایالت سرحد دریافت و شناسائی شدند.

متخصصین آلمانی که بتاریخ ۲۵ ماه جون از پشاور ربوده شدند حدود یك ماه ناپدید بودند پولیس ایالت سرحد اعلام نموده است پس از تلاشهای زیاد اکنون افراد ربوده شده در منطقه کرم اجنسی دربدل پرداخت پول گزاف به رباینده گان به یك جرگه قومی تسلیم داده شده اند.

لازم به یاد آوریست از جمله سه تن انجنیران آلمانی و دریور پاکستانی آنها یك تن از انجنیران و دریور قبلاً شناسائی شده بودند.

حقوق زن در میراث و ادای شهادت

چرا مردان در میراث دو برابر زنان سهم میبرند؟

ص(۷)

طرح دولت، راه عملی برای پایان جنگ

مشکل طرح مستیری این بود که میخواست نمایندگان در چنین جرگه نه نماینده ملت بلکه نماینده، گروههای مسلح حاکم بر هر ولایت باشد بدون اینکه به این اصل مهم توجه شده باشد که آیا مردم آن ولایت گروه مسلح حاکم بر خود را بعنوان نماینده، خود می پذیرند و یا نه؟ ص(۲)



کمونیست ها و حمایت از ظاهر شاه

حمایت کمونیستها از طرح بازگشت ظاهرشاه و استقبال از سفر سردارولی، هرگز قابل تعجب وحیران کننده نبوده بلکه ادامه، روابط و پیوند های عمیق ودیرین دوطرف می باشد.

ص(۲)

فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان (خارج کشور)

صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی افغانستان

باما به این آدرس مکاتبه کنید

G.P.O.BOX. 1102

پشاور ـ پاکستان